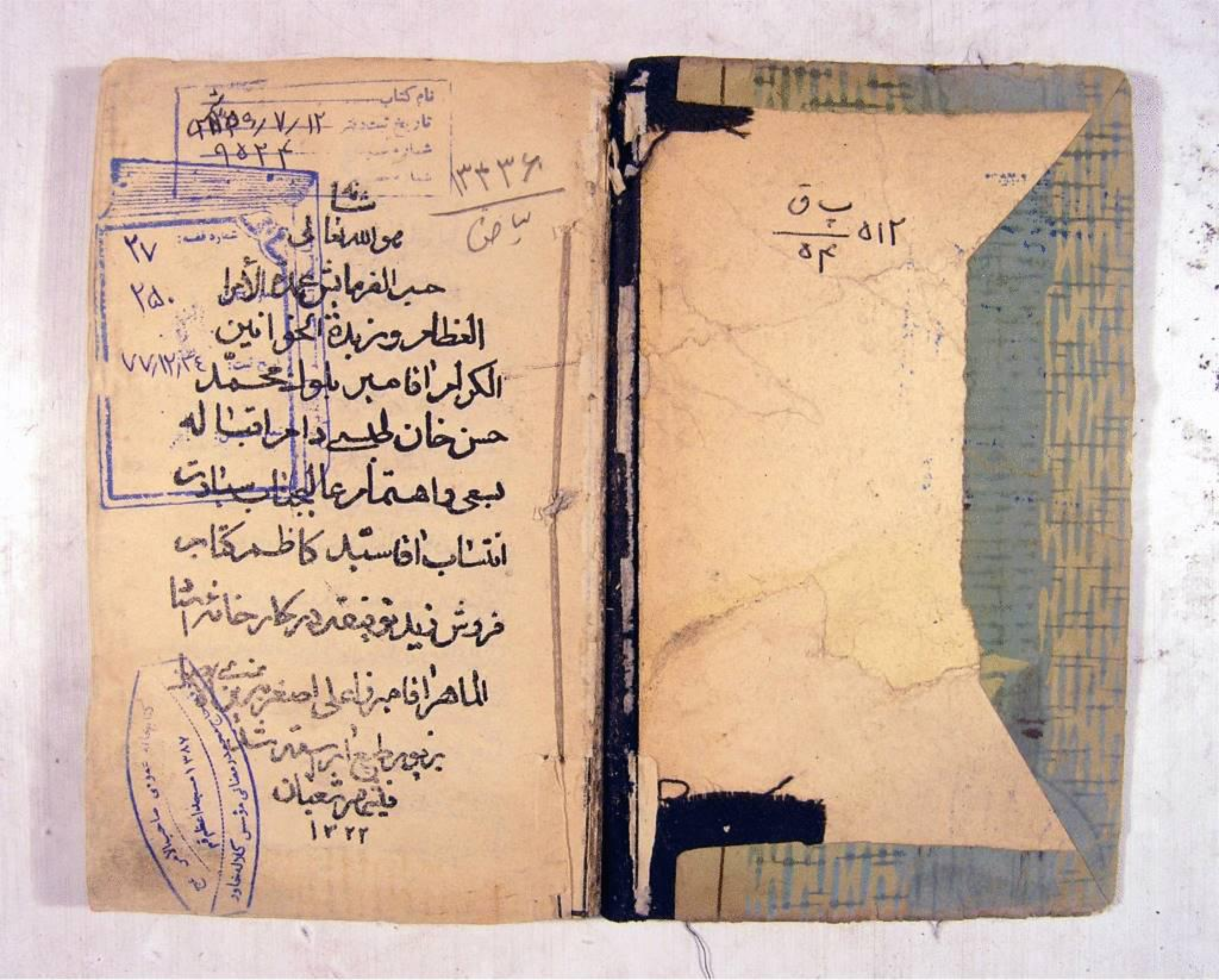

نبوت خاصه



هو الله تعالی

حسب الفرمایش عمدة الامرا
العظام و زبدة الخوانین
الکرام آقا میر بلوا محمد
حسن خان لحیی دام اقباله
بسعی و اهتمام عالیجناب سیادت
انتساب آقا سید کاظم کتاب
فروش ... در کارخانه استاد
الماهر آقا میرزا علی اصغر منشی
به زیور طبع آراسته شد
فی شهر شعبان
۱۳۲۲

هذه الحجة
في نوع الخاصة للعالم العامل
الفاضل الكامل الشيخ محسن
الرشتي

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله القادر المقتدر الخبير الولي العالم السميع البصير
خالق كل شيء وموجدهم لا من شيء الذي ابتدأ في الايجاد بالنبي
محمد وآله صلى الله عليهم وخلق ما خلق ملكا وعينه لاجلهم
وجعلهم هياكل التوحيد والتمجيد حتى كانوا في التوحيد والتمجيد
وصورا منزهة لذاته ومرآيا لجماله وجلاله ومظاهر لربوبيته
وكماله وعند ما بلغ منه فيهم الامر كذلك واظهر سبحانه قدرته
فيهم هذا الامر بتصوير آدم عليه السلام على صورتهم
ليعلوا بالشرف على غيرهم وتكون الصورة لباس عبوديتهم
لهم وفيها لظهورهم وهم المصطفون بعلم الله انوار

المشرقون

المشرقون على تمام خلق الله والمخصوصون في صفات فضل الله
عباد الله المكرمون وامره بين الكاف والنون لا يسبقونه
بالقول وهم بامره يعملون ثم الحمد لله الذي اطلعهم على كل شيء
واشهدهم خلقه في كل شيء واذل لهم كل شيء وجعلهم محال مشيته
ووسائط لايصال خيراته ووسيلة لانزال نعمه وبركاته و
جعل ذريتهم امانا لاهل ارضه كما جعل النجوم امانا لاهل
سماواته وميزانا في تمام خلقه ليقبل بهم كل طاعة ويثيب
بهم كل عبادة ويرد بهم كل شر ويعاقب بهم كل معصية
فالجنة لمن اطاعهم والنار لمن عصاهم او عصى احدا منهم
الطيبون والطيبات لهم ومنهم صلى الله عليه ما احاط به
علمه صلوة عليهم اجمعين ابد الآبدين اما بعد جناب
مستطاب فاضل عارف كامل آقا سيد رضا كربلائي سلمه الله
جواب سؤالي كه مينكارد بطور ايجاز وتقول اذا بن اتم
خواهش خود پس ابتدا بن دستخط داعي غفور له انا الله

موضعين

مؤمنین از امام شیخ حسن شیخ الاسلام پس از عرض سؤال
در جواب آن بنگارید و اسم از کتاب ابد بگذاشته تا انشاء الله
بهره برده از مطالب از طالبین رسانده باشد سؤال
چگونه میتوان اعتقاد نبوت خاصه پیغمبر ما صلی الله علیه
وآله را ثابت کرد بطوریکه خصم را حرفی نبوده باشد و عقول
تمام مخاصمین را قبول افتد جواب مشتمل بر ده فصل است
بقیات از مراتب در نبوت و امامت فصل اول بالفعل
تمام ملل و مردم روی زمین از هر مذهبی همه شریک
هستند در اقرار بوجود صانع و همچنین همه شریک
هستند در اقرار بحکمت صانع و همچنین همه خواهان
گفتن احد تعالی حکمت فعل عبث نکرده نیست در صنع و
خلقت خلق جمیع آدم و آن جمله همه گویند معرفت تعلیم
وطاعت و عبادت نیست که ارواح عالمند تا با بیجا احکام
از اهالی ملل و مذاهب روی زمین مخالفتی ندارد

وحکم طاعت و عبادت متعلق بتمام افراد عباد است و تکلیف
خداوند … انس و جن بر روی زمین قرار داده است و حول
و قوه داده بهر یک مثل امانت گذاشته است تا صرف کنند
بمحل و قوه الهی بخصوصیات مطلوب نموده باشد که اگر
ادم … موافق آن بامر الهی شود حول و قوه الهی را در محل آن
صرف نموده در روی براه اجر و ثواب آن رفته و اگر بر خلاف
آن در نهی الهی شود حول و قوه الهی را تضییع نموده نهاده
داده با این وصف لا بد در آن زمان در روی براه عقوبت
رفته باشد که آمدن … اختیار در … دلیل … اختیار
با … هر یک … عمر دنیا است و صدق انبیا
و رسل و اوصیا و اولیا صلی الله علیهم بتمام تکلیف
در تمام آنچه فرموده اند از توحید تا الی معاد و غیره که
تکلیف مبین عدم تفویض است و قدرت خلاف تکلیف
مبین عدم جبر واضح است … بودن هر یک …

[illegible]

زمین است و موید است که اب و باد و خاک و اتش جماد
بجنند و طبیعت هر شی بعد از حصول تکوین ان شی حاصل
شود و عالم بالتمام در تجزیه جزء جزء چنانند که هیچ ندانند
و هیچ نفهمند و این اثار دلیل اند بر وجوب وجود او جل
و علا و احتیاج و فقر تمام در ترکیب و حد و زمان و حرکت
و سکون و هم چنین دلیل اند بر تنزیه و تقدیس و غناء او خود
او است سبحانه انکه شناخته بالذات بهیچ وجه نمی شود
پس وجود لا شریک له خالق عالم سمیع بصیر بالذات منزه از تمام
اشیاء او از تمام صفات بلا شبه و بلا شبیه و مثل و مثال
و شبل و نظیر بهیچ وجه ندارد که شناخته شد باید هیچ شناخته
بالذات نمی شود خالق و ترکیب کننده و طبیعت دهنده
و اثر کننده و فایده عاید دارنده او است لا شریک له
تکلیف از تمام ابناء ادم تا دامیکه بر روی زمینند
خواسته است علی هذا ما در عالم را بر حسب اقرار هم دیدن

ما ایشان در علم و معرفت و طاعت و عبادت بموجب التزام
و ملزوم تمام داشته باشند تا عالم باید ایجاد خود حق و داد
که بعض اشاعها از برای بودن زمین است و معلوم است
در فقدان محصول روی زمین عالم را باید خدا او نه خواسته
فرموده باشند تا هیچ جهت و عبث عالم بر پا باشد و حال انکه
معلوم است تمام روی زمین همه کافر ند الا قلیل و ان
قلیل را هم ملت و مذهبی مدعی اند ما تیم و ان هر کدام
که باشد علما دین تقلید اباء و اجداد است چنانچه ملاحظه
می شود که در عوام هر ملتی و هم افراد دارند که هر ملتی
چند عالمی که پیدا شوند معرفت و علم و طاعت و عبادت
کم شبه معصیتی ندارند و هر باید علما خود را اصل
در معرفت و علم و طاعت و عبادت بدرس و اکتساب
را خذ و قبول و تحقیق حقیقت کنا ایشان شبه تقلید
از بزرگان دین خود اخذ و تعلیم کرده و هم چنین از هر

تعلیم شان نفس امور خود شرع جو باشوند خود را از معصیت
خبر نمایند و از ارتکاب معصیت خود بکنند با این وصف غلبه کنند بر شرک
حسب
مقتضای علم و معرفت و طاعت و عبادت وا نفی منطوق حق بر
مقتضای طاعت مذکوره [illegible] لازم آید و جای همه خلق گویند باید
زمین
عالم احوال خود بکو [illegible] باشد تا حیثیت آسمان بر پا مانند
میان خلق [illegible] باشد [illegible] عالم بر پا [illegible] خراب
شود [illegible] لازم آید همه خلق گویند این شرع خواهد بود
که منافی حکمت باشد و این شرع لیکن بعثت بغیر از این
بالاتفاق نتوانند بگویند لابد همه خلق بگویند خداوند
وجود [illegible] خصوصا معصوم با علم [illegible] حکم [illegible] بعد
[illegible] است بلا واسطه کامل بعثت [illegible] از خداوند او
طاعت و عبادت و علم و معرفت او تمام جهان تمام عالم را
ارواح [illegible] که [illegible] است همه خبر [illegible] مخلوق
تا همه [illegible] شوند [illegible] وجود مبارک [illegible] معرفت و علم و طاعت [illegible]

او است

او است مطلق خدا و چون خداوند او را [illegible] بر روی زمین
بهت
نگاه داشتن است عالم را بجهت وجود مبارک او بر پا داشتن
مخبر و با واسطه او از برای [illegible] خلق
فضل [illegible] بسبب وجود مبارک او باشند تا ابتدا [illegible] شوند
و در سکان [illegible] از برای تابع او باشند و چنین وجودی لازم
آید بالاتفاق بگویند پیغمبر مبلغ عام و باید [illegible] پیغمبر مبلغ
عام که [illegible] علم و معرفت و طاعت و عبادت تمام خبر زیاده
از [illegible] تمام عالم بالتمام خود [illegible] باید باشد
تا [illegible] خلق [illegible] و عالم در ارواح [illegible]
منقرض باشد و بغیر از این ممکن نباشد چنانچه اول خلق
بر روی زمین حضرت آدم ابو البشر پیغمبر بود که عالم را
در ارواح خود ابد [illegible] اول احتیاج ولابد
بعد از آنکه مطلب [illegible] از [illegible]
جو باشوند با چنین شخصی که لازم آمد معصوم باین وصف

باید

مستور

بابد فعلیه همه عالم پر کفار است پیغمبری بر روی زمین باشد او پیغمبر
مبلغ عام هست یا وصی معصوم آن تقدیر صدقات شما است ... مردود
است همه ملل و مذاهب نفی آن بالفعل از روی زمین
خواهند نمود پس با قرار خودشان همه کافر خواهند شد مگر
مذهب امامیه که میگویند که لازم دانسته ایم بالفعل وجود
حجت آل محمد صلی الله علیه و آله او بواسطه او پر یا ... ایم
بر قاعده لازم آمده همه ملل و مذاهب تصدیق ما کنند
و از او معرفت ما نمایند و اگر ادعا بر ما کنند بگوییم این
وجود مبارک را که شما ادعا میکنید باید بالفعل حجت
اعدا ثابت نمایند جواب بعد از آنکه ... ما شرع ثابت
بوده اند که بقاعده لازم آمده ... اگر چنین وجودی
مخصوص بر زمین بر روی زمین باشد باید عالم خراب شود پس
بقاعده البته ... واضح است وجود مبارک او را
با خاطر ... بر زمین تا باستقرار او همه اشیاء قرار یافته

و او قیمتی بود و فوق همه پیغمبر ما است بیش از اینها بشود بالفعل
در این زمان بقاعده لازمه حضرت اشخص با این وجود مبارک
نبوت خاصه پیغمبر ما و اوصیاء الطاهرین او تمام این وجود مبارک ثابت
خاصه پیغمبر ما و اوصیاء الطاهرین او دوازدهم صلی الله علیهم
مفترض شد وجود این مقدس در نفع غیبت بوجود واجب
اقدس سبحانه چنانچه خدا هست بالفعل این وجود مبارک
حکما باید باشد و چون ختم وصایت و خلافت و امامت
و ولایت بوجود اقدس مبارک او هست و نقصان مهلت
و فقها با این همه وضوح حق بهانه جهت ها نافهمیها است که همه
مردم از شیطان و مکارهای علت اند که کفر و انواع عبادات
اول ایشعید تا از دستهای ... وسوسه کفر ... بعد از
با خالق جل و علا و با همه بنی آدم و با مؤمنین از جن خبر
داده شده اند حق و باطل و میانه همه خلق مکشوف
گردیده و تکلیف مردم طلب حق شده یا از دیاد عقل و

شعور

شحود حرفی دیگر باقی نماند لهذا ان جمله اسرار بسیار مجمله حفظ
مؤمنین و مؤمنین مجمله و اثیر از وجود مبارک اندر من روح
الارواح عالمین صلی الله علیه و عجل الله فرجه غیبت از انظار
شناسی مهم فرموده تا این حد که باید مدت حق است
نشلد الله ظهور فرماید و از جمله اسرار ستر وقت ظهور او
صلی الله علیه و اله مسابات همه مؤمنین در ثواب انتظار
در انتظار و تصمیم جان نثاری در رکاب مبارک او صلی
الله علیه و اله باشند تا ان ثواب از برای همگی بر حسب درجات انتظار
باشد در بسیاطن اصابت نخواهد شد بر علمی معانی انچه ذکر کرده
کشف است تعدد انبیا و رسل و اوصیا همه انها که اکتفا
بیان پیغمبری شریعت نکرده و در رحلت هر یک یکی دیگر
جای او محفظ عالم و مردم لازم کرده واضح است از جانب
خدا ارواح بخش در علم و معرفت و بفعل در طاعت و عبادت
بندگی زمین عالم را خلیفه خدا لازم باشد کلی ولی او

عالم

عالم زنده و برپا نماند کرا او صلی الله علیه تمام صفات و فعل
خدا استجاد تمام موجودات تمام جبروت تمام عقل تمام علم تمام
قدرت تمام سمع تمام بصر تمام حکمت تمام غیرت تمام نور
تمام ایمان تمام یقین تمام حق تمام صدق تمام وفا تمام
صبر تمام رضا تمام استغنا تمام فضل تمام کرم تمام جود تمام
احسان تمام رحمت تمام رافت تمام عطوفت تمام معرفت
و هم چنین الی ما شاء الله جامع انچه تمام خبر تمام
عوالم ملک و ملکوت است بالتمام در تمام نوع بشر و غیره تمام
مکارم انسان تمام نام و تمام باشد و در مادی الی هر یک
ان چون دریای محیط است و انچه در تمام خلق هست
بقوام مثل جویبار و چشمه‌های اب و انها که بالتمام از دریای
محیط و بالعبای محیط است و هم چنین مثل کوه‌های
جواهرات و انچه در خلق است رعیت هست مثل قطعات
معدنیات سنگ‌ها و امثال اینها بالتمام که از کوه‌ها معادن

ان

ان تحصیل شده است نادر تمام مراتب ان معرفت رضی خدا
جل شانه بتمامیت تمام مراتب در اوده مراتب از اوصیا
او انبیا خدا صلی الله علیهم تمام باشد و مردم در مرتبه ایمان
بانچه نزد او و اوصیاء او انبیا خدا صلی الله علیهم است
داشته باشند و حیاة تمام عوالم در تمام ان بانتظام و تمام
دارد و قوام مستقر مدار همه عوالم باو صلی الله علیه و اله
و بعد مراتب از اوصیا او صلی الله علیهم چون انسان
که تمام وجودش بتمام خودش مدارش در حیوة و بقاء
مستقر بقلب خودش باشد که خالق و مشرق و باسط فنا شی
و معطی و رازق و محیی و ممیت و محیی و مجزی و
منتقم خداوند است وحده لا شریک له و ایشان صلی
الله علیهم اوابند لا اله الا هو الحی القیوم بدیع السموات
والارض له الامر و له الحکم الرحمن الرحیم تا اظهار کمالات
بافعال خود مراتب خودشان معلوم و بالتمام در افعال

خود

خودشان بخودشان آشکار دارند حساب کرده شوند شانه صفا
بر تمام تخمیم اعمال و افعال تمام است و ثبت نامها و خطه
کرام تا عود همه بالتمام بسوی ان اصل اول و آخر و ظاهر
و باطن خلیفه کلیه کلی خداوند سبحانه قلب تمام عوالم امکان
در افاضه و پادشاه تمام امکنه و ازمان و وجود سبکی خداوند
عنان که وجود سبکی او در اوصیا او صلی الله علیهم است
و فرد واحد در همه حیات معلوم است الله هر خلفا خاص
خداوند علی اعلا چهارده نفر ایشان صلی الله علیهم
در معاد و نفره زیارت جامعه وارد شد خلقکم الله
انوار فجعلکم بعرشه محدقین که انصراف ماکول و مشروب
ایشان صلی الله علیهم در دنیا بوده بطور اهل بهشت
است طیب و طاهر منزه از خطور بشریت قال الله سبحانه
و تعالی یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم
تطهیرا و حد هم صلی الله علیهم ائمه تمام ملائکه سموات

وارضین

وارضین وتمام انبیاء و مرسلین و اوصیاء مرضیین و تمام
مؤمنین بعد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و در جه
باخص رسول علی امیر المؤمنین و فاطمه سیده تمام عالمین و
حسن و حسین سیدا شباب اهل الجنة و نه فرزند بعد در پس
تا بحجت عصر حضرت امام حسین صلی الله علیهم اجمعین
و تکلیف همه خلق متابعت و اقتداء بایشان صلی الله علیهم
و عمل باوامر ایشان بمصداق آیه شریفه ما اتاکم الرسول فخذوه
و ما نهیکم عنه فانتهوا که تکلیف همه بیان خلق از برای اعتباد
خود خلق و تکلیف واضح است و از معلومات خود حجت
اولین معلوم است وجود محمد و اوصیاء او صلی الله علیهم را
خاتم جمیع پیغمبران و جمیع پیغمبران سلف مبعوث برسالت
خلیفه بنص و نصب خدا خلیفه ایشان صلی الله علیهم از جانب
خدا باشد تا دعوت کنند بسوی خدا سبحانه از لغا و بزبان آن خلیفه
کنند و آن خلیفه بمتابعت و عبادت و اطاعت و علم و معرفت

محمولین صلی الله علیهم متصل شد تا ابد او از خاتم صلی الله علیه
ما شرایق ارواح از برای عالم عالم را ذکر گرفته را انچه عوالم بوده
از اول ایجاد تا زمان تنزیل با حضرت آدم علیه السلام و هم
چنین بعد آدم تا ظهور خود محمد و اوصیاء اطهار او صلی
الله علیهم در انجام طاعت و علم و معرفت محمد و اوصیاء
او صلی الله علیهم ارواح از عوالم تا دعوت کنند بسوی خدا
در همه اینها از عوالم خلیفه ایشان که محمد نبی و رسول و اوصیا
او صلی الله علیهم خلفاء خدا و خلفاء او لا سبب و در تمام
خیر اول و اصل و فرع و معدن و ماوی و منتهی بوده اند
و هستند طور از اطوار وجود شان صلی الله علیهم
از جانب خدا که بوده اند و هستند بحجت خدا در نشئه
و در اینکه و بس که منتهی بوجود و بوجود هاین ایشان و بلادا
و بالفعل بجمیع ایشان در عصمت بعد از دم ایشان
در امامت و خلافت و لا سبب و وصایت صلی الله علیهم

عالم صورت ریاست روحی و جسمی ایشان بالتمام کرامت یافته صلی الله
علیهم و باشند بسلطنت ظاهر و باطن تمام عالم بلکه سلطنت
خداوند را معلوم سازند تا ختم عالم والسلام فصل دوم
شنبه از فضائل در ترتیب بیان مطالب ابراهیم ابطال ملل و مذاهب
و احقاق حق مذهب ما اهل توحید حقیقی در مسلمین کرده دانسته
ضبط داشته باش آنکه مصحح روح مجرد آن بود ضمیر کامل ما
از مطلع روح و نور خدا اینکه از پیغمبر ما صلی الله علیه وآله اشکار
گردید اینکه آن نور بوده است و دارای تمام کتب سماویه و احکام الهیه
و اطلاعاتش باخبار انبیا و رسل و اوصیا ایشان و تمام معنی
و مقاصد همه ادا کرده و داشته اند همه بتمام عوالم ممکنات
از بدو تا اخر و در تمام علوم هر چه که گفته شود و تمام
زبانها و لغات بالتمام و مصالح و مفاسد تمام خلق از فرش
عرش تا تحت الثری که محیط بتمام اشیا بلا استثنا بوده
و هست و احادیث عجیبه از ما حضرت او بیش از علو قابلیت

و انبیا از خلق اخر بعد معاجز تمام انبیا و رسل و کرامات تمام
اوصیا و اولیا خاص ایشان از احیاء نمودن اموات و غیره
انچه بوده است تماما از او ظاهر گردید بلکه وراثت تمام انبیا
و رسل و اوصیا ایشان در تمام اشیا معلوم شد اگرچه تمام
انها را انها بتوسط او و اوصیا او صلی الله علیهم داشته اند
و اضافه بر همه انها مخصوصات بوده که هیچیک را نبود مانند جلوه
آن شاید ابر ملاحظه سحاب هم بوده بدن او از شائبه بیشتر
مثل پیش روی نداشتن خود و صدای آفتاب و ملتفت شدن
کردن او از عجیبه هر چه از خلق که هیچ نداند بوده الله و هست
اعتقاد این گوناگون و مطلب بر اقدام مبارک او و بالتمام ندانند مانند
او همیشه دائم و معلوم است و نقل و نه نشستن هیچ جانوری
بر او و هم چنین نرنشستن هیچ گرد و غبار از هیچ خاک و خوی
اگرچه انکوه و خاک پای او و نگذاشتن هیچ مرغی در هیچ
پرنده از بالای سر اقدس مبارک او ابد بهم مرغی که لا یعرف

سوار میشد چهار فرسخ میکردید بحالتیکه قدم مبارکش ابدا
هیچگاه نشست از قدم مبارک او معلوم میشد و بر هر گونه سنگی
که قدم مبارک او بران میرسید خالیه میگرفت و آن آثار در آن
سنگها باقی ماند و مردم از برای زیارة باحترام میداشتند
و همچنین الی ماشاء الله و عام آن از برای تمام مشاهد
مشاهد بوده در حسن خلق و سایر آداب بوده سوی خصائص
و خصال و امثال اینها در تمام صفات و محمد مبارکش که
خدا خودش معصوم در عزم و اراده و اراده و استقامت
و کرم و عفو و گذشت و همچنین و غیر از این در همه چیز و غیرها
اراده و مشیت خدا بل عین اراده و مشیت خدا هویدا
بوده شریعت مطهره او از احکام و مصالح و واجبات و محرمات
و مستحبات و مکروهات و آداب و سنن و ادعیه جات
و اذکار و مناجات و معرفت اصول ایه و اجتهاد در اصول
و فروعات در معقول و اکتساب در منقول تا انقراض مردمان

ملکوتیان و اطلاع از ناسوتیان افضل الخلق که او صلی الله
علیه و آله واضح در میان مردم مشهور است تمام آن معجزات
باقیات است در همه کون از برای اهالی هر اوان و همچنین
همچنین قرآن که معلوم است کلام خدا است اعجاز اینان تا حدیکه
مثل کلام آن چه رسد بمطالبی که در آن است عجز با تمامیت بر
تمامی اهالی عالم عالمیان تا روز قیامت زیرا که ختم پیغمبری
بر پیغمبر ما شده که اشرف از زمین بطاعت و عبادة و علم
و معرفت و ادنی مفضل بالافضل اگر چه به تقلید الهی باشد
باید هر تابعه بر وی او باشد چه رسد نعوذ بالله عدلی و
بالا تر نعوذ بها العیاذ بالله خالی و لغو و صحبت مکن که فقط
باشد پس خود طول هکد دلیل بر یکی است پیغمبری پیغمبر ما
صلی الله علیه و آله این که معلوم است از هبوط حضرت
آدم علیه السلام تا بعثت خاتم صلی الله علیه و آله و سلم
از او نوشته اند مشهور است و دو سال بوده و زیاد تر هم گفته اند

بوده در اثنی بعضی از آن نشار دیگر بعضی در بیست و بسیار زمانها که پیغمبر
خدا از مستاد و اوصیا همه آنها معصوم دو بکشف و کرامات
بمثل آنها که انشاء در علم بر آنها صلی الله علیهم نبوت بعدی
همه را خدا دانند و بر همه بنصب خدا بوده اند با این وجه
شدت اصرار و الحاح خداوند هم فرستادن انبیاء و رسل
در پی نصب اوصیا بلا فصل از برای قوام و بقاء عالم با این
بود که بطاعت خدا کرده شد و عبادت و علم و معرفت آنها و بطلا
می شدند بسبب آنها در آفاق دعوت چگونه ممکن که فترت کسی
بود از بعد اوصیا حضرت عیسی علیهم السلام تا حالیکه هزار و
سی صد و چند سال بالا گذشته عالم در تمام این مدت
بی روح خالی از آنهای منصوب خود خداوند سبحانه خلیفه
و معلم خیر و منبع نبوت و صافی مانده بی جهت داری باشد
و اگر این مبحثی بود بحضرت آدم علیه السلام فرستاده باد
کفایت بود الی آخر مینمود باشد این مطلب تا ما باید ملتفت شد

که اگر وجود امام لازم جامع معلمی بلا واسطه از جانب خدا عالم را
لازم نبود چرا حضرت عیسی علیه السلام با انکه معصوم و نبی بود هم آنها
بعد بوده من بعد بمثل خودش اوصیا معلم گان از جانب خدا قرار
داد با وصف این لزوم بعضی از آنها معدود تا حالیکه این همه مدت
گذشته است چگونه مبعوث نصب خدا از برای ارض و سما
ارواح از جانب خدا دیگر کسی نباشد پس واضح است که
لزوم عالم وارد بعد از اینکه خدا خودش سبحانه پیغمبران و اوصیا
صلی الله علیهم نتوان برداشت و بوجه لزوم او واضح از هر چیز
گردید پیغمبری پیغمبر ما و اوصیا صلی الله علیهم که هیچ وقت
نشود عالم مستقر بی وجود بلا واسطه از جانب خدا و حکما
خدا پوشیده بعد منفصل باید وجود معصومی معلمی جامعی
از جانب خدا معنی تعیین که طاعت و عبادت و علم و معرفت
اهل ارواح عالم را از برای او مخصوص از خداوند و او در
گاه خداوند پناه از برای اهل عالم باشد تمام خیر و کلی

دیگری همه و اعظم از همه و سبب همه ارواح ارواح ...
معدن عصمت و طهارت و نبوت و رسالت و ولایت و
امامت که ذکر شد و اوصیا او با او یکی از اول انبیا و در آخر
و ختم با او و اوصیا او ابدی باشد از ابتداء لا یزال فرمود بش
بکم ینزل الغیث و بکم یمسک السماء ان تقع علی الارض صلی الله
علیهم است که نعمت و کاملیت انبیاء صلی الله علیهم در عالم بود
و اتمام نعمت و تکمیل دین بوجود ائمه صلی الله علیهم
در عالم بود. امامت ابدا است و با ایشان مخصوص است
و جناب خداوند ارسال هر دین که خداوند فرمود یا ایها الذین
امنوا اذکروا نعمة الله علیکم هل من خالق غیر الله یرزقکم تا آنکه
معلوم فرمود در منصب حضرت امیر المؤمنین علی صلی الله علیه
که جا داشت و فرمود الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی
و رضیت لکم الاسلام دینا که مخالفین در همین نعمت کافر
شدند و عالم را فاسد کردند که خداوند ایشان را بیان فرمود

الم تر الی الذین بدلوا نعمة الله کفرا و احلوا قومهم دار البوار و
نعمت آنها بعثت رسالت خاتمیت بر تمام اهل عالم تمام که بعد او صفات
پیغمبر ما و اوصیاء الطاهرین الی العترة او صلی الله علیهم را
در کتابهای آسمانی خبر داده که خداوند در قرآن خبر میدهد
آنکه در تورات و انجیل نوشته شده است در صفت او النبی
الامی الذی یجدونه مکتوبا عندهم فی التوریة و الانجیل
و حضرت ما خبر کلیه عقلا تمام معصوم نهاد بنای که عموم سلف
در کلیه کلیه معاصی خود شان مبتلا بودند تا آخر اشکار است
در آن شان و همچنین پیغمبر ما صلی الله علیه و اله علاوه است
بالفعل بر اصحاب سبلا لو تمام حق را ... و خداوند در
قرآن یاد فرموده ما کان محمد ابا احد من رجالکم و لکن رسول الله
و خاتم النبیین و مبعوث بر تمام خلق از فوق العرش تا تحت
الثری بر همه اشیا شده و بعد از آن دوازده نفر اوصیا
او بند چنانچه از برای هر پیغمبر اولوالعزمی دوازده نفر

اوصیا بوده است ن که حضرت عیسی علیه السلام تا
داد بامت خود بعد از خودش پیغمبری ما با اسم مبارکش
احمد و بعد از رحلت خودش از دنیا هم چنین تا وصی خود
شمعون را بلکه لزوم نصب شمعون با عصای او دوازده نفر
اوصیا منصوصین هر یک بعد از دیگری خودش وا پس روی
زمین که عالم را هیچ وقت خالی از حجت است واجب مظهر
اصلی است غائب بودن ایشان بوده الله تا آن وقت که تمام شدند
بعد او رسید و استقرار عالم چنانچه در باطن بود تطبیق
با ظاهر یافت و تا آخر با ایشان و ظاهر و باطن دار و صیانه
اول در همه حیات با او صلی الله علیهم حکم کرد بعد از آن
دوازده نفر اوصیا پیغمبر اولی العزم او هستند که بنهانی
منصوص بالذات و همه الافضل اول ایشان حضرت امیر المؤمنین
علی صلی الله علیه و آله و بعد فرزند اول حضرت امام حسن
صلی الله علیه فرزند دیگر او حضرت امام حسین صلی الله علیه

بعد از آن بنی فرزند من بوده که واو که هر یک بعد از دیگری
تا این که بعد از احد آن به هم حضرت صاحب العصر و الزمان
حاضر و از انظار غائب از انظار که او را ذکر کرده می باشد
و این دوازده نفر صلی الله علیهم همه معصوم و وارث
پیغمبر ما صلی الله علیه و آله در انجیل بوده و در هشتم و زمان
مبعوث شده در همه حال با خود پیغمبر صلی الله علیهم
معاً ماند چنانچه نفر خود با ثبت ما معصومت و ان ارواحکم
و نورکم و طینتکم واحدة طابت و طهرت بعضها من بعض
و ایشان اهل بیت بعد هر نفر دیگر زیارت عصمکم الله من
الزلل و آمنکم من الفتن و طهرکم من الدنس و اذهب عنکم الرجس
اهل البیت و طهرکم تطهیرا و معجزات هر یک صلی الله علیهم
بعد دیگری نوشته شد دوستان تا بود در تقصیر شمار آن
با وجود که نه هر کتابها از هزار یکی را شاید از انصد هزار
یکی که تمام ساعات شب و روز ایشان صلی الله علیهم هر یک تمام

فرمایش شده و افعال معجزه اثر و سخاوت و ادراک عدد مناجات
و عبادات و طاعات هر آن آن حضرت مثلها معجزها بوده ثبت
کرده‌اند مع ذلک کتابهای مؤالفین و مخالفین پر هست و
از حد احصا بیرون است و معجزات از ایشان صلی الله علیهم
در جمیع اعصار و از منه و از زمان در بعضی از آن ظاهر است چنانچه
از بعضا از مرقدهای ایشان مشاهده شده و میشود
و در اخبار و احادیث ایشان بحسب افهام معلوم است
و در توسل با امام عصر صلی الله علیه عجل الله فرجه آشکارا
از امام عصر شده و میشود و بسیار دانایان شده‌اند نیز و تر اند
هر که خواهد حجة خود را مبرهن سازد رجوع کند و شاید
در زمان خود خواهد نیز اگر مقتضیش شود خودش
نیز به بیند و بشنود خوشحال کرد و چنانچه کرامات و
معجزات ایشان در خود بناء روضات ایشان و زیارات
و نسل ایشان آشکار است که چه نحو دشمنان خدا سعیها

وا بیهامها

وضع

و قمامه‌ها که در هدم انطفاء محل زینت ایشان و تخریب قبور
وضع نموده‌اند از زیارات باسم بدعت و شرک کردن ساکنا
و مؤمنین کوشیدند بهر چه توانستند و دشمنان خدا را
پشیمان ساختند و ذکر خدا را محو نمایند دشمنان خدا را از
خاطرها بیرون کنند در هر نقره و بر خلاف آنچه اراده آنها
شده بود معجزات رفع شدند و خداوند در میان نحو
ان مخالفین بکردار نحوی که عالم را فرو گرفته اسرار و عجیب
مناسب حیثیت هم شیاطین در کمال شدت غضب
خدا با تمام شدن حجتها از خدا بر اهل جمیع عالمین
واگذار شده بوده‌اند بعضا از ظاهرات ایشان را
بگوید چشمهای همه مخالفین بیش و بعد همه وسوسه نشدید
داشت و مؤمنین بعد بر زیارات شدند و شوق زیارت
خداوند در قلوب مؤمنین با آن شدت تجدید و حفظ
عظیم که از اموال و جانها گذشتند تا از اصرار زائرین

بنیله

بطلبه دنیا دار از قهر اعداء الدین را مغلوب نمود و نسل ها را

بنیاد جان خود الله نسبت ملبوند و دست از غالقین را

دانا مقربان و نسل اهلاک نمود و از خرابه کوته اولاد تمام

کهنه دری ندیم که از بلدان عظام دنیا بوده اند آثاری

از آنها نمانده خال منافقین اهل آنها و تنها در مثل ها

معلوم است و تعزیه داری علی الاتصال هر سال اهل

بیت نبوت و رسالت و عصمت و طهارت صلی الله علیهم

است در تمام عالم با مطارف و مغارب دنیا در [illegible]

خودشان با اهل البیت صلی الله علیهم دشمنی بر اهل

البیت است کرده است این ازان داده شده و مشتو

در رها تا علی غالقین [illegible] افتاده و عیان [illegible] کرده

از غالقین که [illegible] گشته شده و مشتو

و هم چنین تا ظهور حضرت صاحب عجل الله فرجه [illegible]

خدا ماند تا [illegible] با اهل الاسلام [illegible] کلام الحمد لله

العظیم

العظیم القاهر المنان پیغمبر پیغمبر ما صلی الله علیه و آله و کتاب

او و اوصیاء الهیا او صلی الله علیهم چنان واضح همه گو

کرده بگر [illegible] شاهد و بتیر از کتب سالفه الحقیقة

نمانده است دا الخاطر ایشان صلی الله علیهم تمام از معلوم

همه کس شده و قرآن مبین است [illegible] که با بد کتب

سماویه و معانی کلمات آن دا انبیا و رسل ما ضیه و اوصیا

ایشان با حجاب ایشان دانست که توحید و قرآن [illegible]

مصابیح ایشان صلی الله علیهم در تمام عالم ملبوط

شد بجا [illegible] را بر سالار شرح نموده [illegible]

کنند دا در [illegible] حق [illegible] کرده [illegible] باشد [illegible]

بنید و نفهمند [illegible] خودش است که خودش را

کوری و کری و لالی که در [illegible] هست [illegible] خواهد بود که صم عمی

بکم باشند و از آنچه [illegible] که لهم قلوب لا یفقهون بها

و لهم اعین لا یبصرون بها و لهم آذان لا یسمعون بها بل اد

هم اضل

مانند که من کان فی هذه اعمی فهو فی الآخرة اعمی و اضل
سبیلا علیه السلام **فصل سیم** واما انجمله معرفت
بفاعلیة اماره واشمار خدائی در خلق که پیغمبر را معصوم بین
بهر یکی بر مقتدائی انخلق مکر چند نفر را اولوا العزم
در رسالتین به تمام عصر خود شان فرستاده هم چنین
اوصیاء ایشان مثل خود شان هیچنا بر تحقیق از فهم
در تمام امت هریکی از تکثیر عقل و مراتب فهم و جز و هدایت
و تقویت بشریه بوده و در تولد ان پیغمبر تمام را جمع کرده و اماضه
با فضا مرد انتا نواقص تمام را بکمال برساند و لحاظه بر تمام در
فرعی انتمام از در شخص امی باشد حال ملتفت باش که پیغمبر
ما را فرستاد اخر تراز دلیل و لیکن اول است در پیغمبری چنانچه
می بینم عالم که ساخته میشود اول بنای کاشان که ناشته می
شود و هم چنین صندوق تجارت که جنس پر کنند اول
کناشته می صندوق و فواده خالی کردن اخر بر دارند هم

چنین

چنین شخص بود و که آخر خالک میشود خالک شدن او در لغو
دلیل بودن اول او انخالک باشد و هم چنین امثال این
چند مثل بسیار وارد است که اینها مشهود هم بود و از اذهان
عامه مردم اقرب بفهم است موثر بیان کرده شد و نزد اهل
بصیرت در ضوابط کلیه نظامیه اینعالم که در سیله شود هم
همین طور با انتظام دایم خواهد شد پس با دلیل عقلیه خاتم فیه
بر نقلیه که معلوم شد پیغمبر ما قبل انهمه بوده و بعد از همه
امده است همین تر دلیل اولیت خلقت او و هست و احضار تا آخر
صلی الله علیه که علت غائی اند و اصل اند و خلق با التمام
بجهه ایشان خلق شده و لازمه اولیت خلقت رجعت
ایشان است در دنیا که بوده اند و خلق خلق شده اند
باشند تا خلق تمام شوند که فتح و ختم ایشان شده
باشد و در قرآن تا لیه است نکو نیست الم و مثل
فواتح سورها تا آخر که حروف مقطعه نوشته شود دید

انحلف

از حرف مکرر از حروف چهارده حرف عبارت صراط علی حق
نمسکه خوانده کرده و تکلیف هست همین بوده و هشت نحوا مد
موده معلوم است از اول اول بر حسب تکوین حالی هست
و از این مطلب واضح شد که چهارده نفر معصومین پیشوایان
ما صلی الله علیهم از اول ایجاد مخلوق بر تمام کردید تمام خم
بهر ند و از سالفین آمده از جانب ایشان بوده چنانچه
علامه در این زمان غیبت صاحب عصر از جانب ایشان سکه
مو بدا کرده بنا بکه بر تمام خلق فرستاده شد خلاصه
تمام عقل و تمام خیر و تمام قدرت و تمام قوت و تمام علم
و همچنین هر چه گفته شود صفات فعلیه الهیه خدا که ایشان نند
و از ایشانست مثل آفتاب که بر تمام عالم بتابد چنانچه در
عالم هستانوعا تعبیر گفته شده و گفته نشده با تمام
تابش ایشانست که بر تمام خلق تابیده که تمام موجودات
اسما فاما مذ بینها و جسمها و صفها الباقی هست از وجود
اسما

اشراق شده محبت ایشان بر تمام عالم حاصل اند چنانچه تمثیل
که ظلمانی هست و بر خلاف نور هست چون امداد از اشراق انوار
ایشان بر همه اند متلبس باکتساب از اشراق شده انوار
ایشان کرده و بروشنائی ظاهر شود و هم چنین تمام اجرام
و اشیا علویه و سفلیه را بالتمام جان بقیم و انهاین
حیات میکنند کانی و قوه و قدرت که آنچه خیر هست همه ایشان
و متصل بلا فصل از خداوند با ایشان و با تنده خداوند
از برای ایشان بر تمام خلق است چنانچه هر یک از مردم
بمنزله خانه خودش است و صاحب مالک آن خانه هست
همچنین ما و انبیا و صلی الله علیهم بمنزله تمام عالم هستند
چه خانه اند که اند و صاحب و مالک تمام عوالمند
بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین بسم الله الرحمن
الرحیم تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیکون
للعالمین نذیرا پیغمبر خوانده که جلنه هر یک از مردم که
بصحر

بی صاحب بعجا الان شود عالم که خوانده ما این سخن حضرت

صاحب بعجا الان فرا بنگرید که حال فرا این عالم بی صاحب

مثل الحمد صلی الله علیهم مرتضی دوازدهم پیغمبر ما است

و تمام خبر تمام خلق بتوسط او مشهور دانسته شده که تمام قوت

مقدرت خلق کرده او هستا نیز همه که تمام عالم چه حقیقت

است موافق وجه حقیقت عکس است اعلا اسفل ظاهر

باطن حقیقت مجاز که معلوم است مقابل ایمان کفر

ظاهر و باطن حق که بلند شود در جبر کمال معجزه که ثابت

بود از خدا حقیقت معجزه ضمیمه شهادت است که ثابت

همیشه ابد خدا را طلب جزا واضح است که خلق در آخرت

جزا داده شده بدعوت کنندگان حق و منکران از خدا

و بشفاعت ایشان دیگر چیزی نمی بینند و آنچه دعوت کنندگان

منکر کنندگان او از ثواب و عقاب گفتند آنها همه با تمام

دیده همه خلق می شود تا همه خلق صدق منکرین را بدانند

و همه را از او سبحانه لا اله الا هو که دعوت کنند کان انتخاب

او بند همشان خاص او بوده اند و هستند و بستگی اند با تمام

تمام خلق بعمل و صبر جهد در تبلیغ ایشان صلی الله علیهم بود

اینکه ایشان صلی الله علیهم آنچنان در راه خدا کردند مستحق

همه مقامها از خدا شدند و همگی خلق عاجز و ناتوانی خود

در از انکارهای ایشان صلی الله علیهم با ایمان دیگری

خودشان در عیب خودشان بفهمند و مومنین خود

همیشه در خیر و احسان ایشان صلی الله علیهم ابد بر بلند

که شیوه ای نبوی ایشان صلی الله علیهم ولا برای ایشان

صلی الله علیهم در مشاهده همه خلق عیبا از غیب الغیوب

به کرم مومنین داده میکرد آنگاه نوعی از کافرین ندامت

و افسوس غفلت خود شان را اند بنای خود شان در حق این

ندم ها شده باشند که از آنها گوید یا لیتنی کنت ترابا و یا

یا لیتنی اتخذت مع الرسول سبیلا و زبان بعض از طایفه

محضر

عضو میکه کو بدینا سعی لیتنی لم یحمد خلا نا خلیلا معلوم است

مکانش بنحاس پیش و جاحدین و معاندین و ملحدین کورو

انعبا بعض و مسخ بصورت اشکال خود شان تحویل شدگان

در جهنم و سخنی بن عذاب باندازه لاز منر خود شان خواهند بود

ومطلق مخلدین در جهنم مسخ باشند چرند و خوب صورت کرم

ابریشم در صفت شوند برلک تو نه صورت پر ایش بعید اکر از جمله

شبله خود را بد معلوم کنند مسخ هستان بیان مجمله این هم

است و معهد بنا شهادت بلا ثل و اضح هستا مت خدا از برای

ایمان آورندکان خدا و باند مرکز تمام طاعات و خضوع و خشوع

و عبادات معلوم شود و اهل ایمان از اهل کفر امتیاز کردند

و شوندکان نعیکه یا بند از هر نرفه در شنیدن باقوال

و افعال خود شان خود شان را معلوم شاند تا هر طرفی را که

اختیار کنند بخود را نظر خبر داده شده هست بر ببیند

که کلیه معلوم هستا بکه مظلوم درو بناراه خدا هم اندازه

که مظلوم

که مظلوم شد و بشود بهمان اندازه غالب است ابد الآبدین و

ظالم مطلقا براه شیطان است بهمان اندازه که ظالم شد و بشود

بهمان اندازه مغلوب است ابد الآبدین مگر آنکه برای مظلوم با (ندازه)

صبر آمده براه خدا بهشت ها و نعیم ها است مشکل او برای

ظالم باندازه ظلم او در جمیع البدین جهنم و عذاب ها است

مخلد کو یا نعوذ بالله پس از سیاه شدن و معذب شدن

تمامی عمل با اندازه و حقیقت با وضوح تمامی هر خضب بدن تما

رهیدن که ظالم ذکر کرده بوده انهم که هر چه از ها

شاوت که بود اختیار خود ش داشت و وارد در رشد

غضب خدا وکذا رده شده و شود بعضا ابرا اما علی

لم لم یر دا دا اما معجلا این خدا وانا و بشود ظاهرا

ایکه از هر عمر اندازه ته آخر خود ش بعضه بعضا (سخنانی)

خودش برسد تر آنست شاید مناسب ذکر آن در اینجا

شده که فرموده و لکن حسنت خلق علیهم مذبنیهم الشیطان

ما کافا

ما كانوا يعملون فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم ابواب كل شيء
حتى اذا فرحوا بما اوتوا اخذناهم بغتة فاذا هم مبلسون
فقطع دابر القوم الذين ظلموا والحمد لله رب العالمين و نيز
از طرف مقابل هم اهانت بتكميل تمام تمام خواسته شده از
برای حقانیت شاید ذکر علیهم باشد ان الله اشترى من
المؤمنين انفسهم واموالهم بان لهم الجنة يقاتلون في
سبيل الله فيقتلون ويقتلون وعدا عليه حقا في التورية
والانجيل والقرآن ومن اوفى بعهده من الله فاستبشروا ببيعكم
الذي بايعتم به وذلك هو الفوز العظيم در هر حال حقیقت کافه
برا صفا نرفته اند دشمنان خدا رهیده اند و بر حسب اوقات
دار صنعه بنا نهاده محبت خدا گشت و غفلت از کشف
از ظلمت بعقیده عالم ارشاد نفس مطمئنه علیه السلام معمور
است و حقیقت انان الذين يعلمون جا بجا امکنه در نقش شیر
بوده مامون رشید لعین که بحکم امام دنیا و اخرت

نو خدا تعالی حق حضرت امام رضا ولی نقیا صلوات الله و
سلامه علیه محتشم شده اند و انفاسی کافر و اولو حضور
مامون و اهل مجلس بهره یابند و منکر شده خود ند
ملعنه با آنکه شاید حکم زنده اند مامون را هم بخود انداخت
کال شدت غضب خدا بما نمودند که الکافر یکی تا با آنجا
امیر در خود خودش عذاب ارد بفعل خودش معلوم شود
لذت نهادند و بصورت اول حکم فرموده بر گشتند که
شهادت واضح است مطلوب و سبب درمیان امت عیب
بر گشته بالحق اولی و دلیل است بر نبوت و امامت ابن فضل
کرنا لمن حو مثا از اهیت لعنته به اهل ضلال اخر انها مع
انها نار درآخرت و بیاری از انها وعده بنا و صورت
عذاب انها او کیفیت خلود انها در جهنم خبر میدهد
اند در هم شبیه از انها که نبیه میکرده اند و اذا فیها
نظام ایرانیه در ایمان حسبنه انده بحض این وصف

ل

بجهانند نبینا از جمله صفات من قبیل الجنا بند انچه استند باکمال
ندن ظاهر دیده نشده هر مردم واعجب الجنات بسیار
وانها متعرض انها نشده خاصه مردم که محبت خلق باشند
کویکویند معرونکنند خدا از برای هدایت خود مان
خواستیم و باری ادعیکردیم قبول نکرد و بنا مدد کفتند
انها در دنیا و اخرت نبود و بدانستن خودش انها را دفع
جمعت انها نشود بینا انفسهم فعل خود شان حاشا هم خواهند
که جواب انها چه شود مکر ملتمس را اجابت فرماید و
بالالتزام حاشا کردن انها را در دنیا و اخرت باطل
نماید بکفر انها و پشیمان نه در طریقة انها هر را معلوم
شود تا بجهت از خدا باشم ان بر انها رسیده مؤمنین
سبا مده باشند دار این تفصیل معلوم است تفصیل اسرار
بسیار بلد حرف علامات مانند شهادت بافضاء وقت
بجیب
واصل شده است با حرف شود تعلیق حسن اختیار مردم

کران

کران جمله ایشان نشود نسل خرب خدا از برای منع و دفع
جمیع الجن معلوم است بالیلها الاربعة با تفصیل واضح کردد
بسبب غلبه سوء اختیار مردم و شدخشان شیاطین و دیگر
الجن علت دخواستکرده الجن و افعال اردیه
عالم واضح است پس سبب از برای معلوم مشود
تمام و اعتبار حق از جمله و از جمله این بوده است چون می بینند
در اصلاب کافران مؤمنین و اکر کافران را با بوصف
بکشند مؤمنین در اصلاب انها معدوم شوند لهذا
خال ملتفت باش با جمعه فعل مثل ایشان اکر دانسته
چه کنند بجهت خاطر ان مؤمنین که در اصلاب کافر باشند
بانرو صفت شروح از برای تمنای هدایت خودشان بود خوارم
خواهم انچه دین روی بعد که واضح است غضب خدا بنده
جاهدین مرقد بن راسعدا نقمیدن همه انها حق را نزد
کرفته بازدیاد کناهان و الکفار ... در افعال خودشان

کردیده

به بلا نا معلوم شوند چنان دیگران یکی معلوم است اینکه
اشقیا و اقتضاء اجل خود گذارده کرده مگر از تیغ دشمنان
با انبوه صفا حبیب هم عالم جانه خود دفاع و تحمل و صبر
و قرار ظهور حق هم کرچه باشد چون ابن سینا حضرت
جرجیس علیه السلام صبر کرده اول اشقیا هم شهید کرده
زنده شده باز تند زنده شدن خودش باز دیگر هم حق
خودش صبر کرده شهید کرد باره چندین دفعه چنان شده
و ابن سیبه حضرت زکریا و حضرت یحیی علیهما السلام صبر
نموده و این فضیلها شهید شده و خداوند هلاکت دا
اشقیا هم شما نبینا اسکافرین دارد هر کافات دنبالی
دنیا سبب مقابل این اشقیا مومنین اصحابه غیر
که از صحابه علیهم اجمعین حضرت شده
بوده اند شاید بتوان گفت هر چه بیشتر شاکرد
بقاعدت کو با تنقل ما تا باهم از اعتقاد در آخرت خلق

کفار راستی هم افات شده ها که اصحاب سلی مومنین کو طور
دشنام بکنا تا ها در آخرت وقت بهشت پرشدن خودش
تا جاها غالبه در بهشت پرشوند و هم چنین چه زن
از پیغمبران متبلاء به بلاها از شقاهای نفوس شریره قوم خو
که دیده و هم چنین پیغمبر ما و آل و اصحاب او صلی الله علیهم
که تمام معجزات دارا بوده اند در مقابل همه بلاها باکی از
هم اشقیاء ایشان رسید تا حضرت حجت صاحب
ما الملک عصر و زمان حاضر غایب امام اهل سماوات و
ارضین پادشاه ملک ملکوت صلی الله علیه و علی
اباه عجل الله فرجه و از علوم مخفیه و مکنونات قدر
مرتبت ایشان صلی الله علیهم همیشه تمام انبیا و رسل
و اوصیا قبل و ملائکه سموات و ارضین خاصه
در شدت و غیبت شما ان مرتبه ایشان صلی الله علیهم
در اطاعت ما این زمین و اسمان را متصل پر کرده

حاضر شد تا انچه بخواهند بشود بعد بر ایشان انتقام خداوند را
از کافران بعد از ایقاع باستحقاق کافران در دنیا و در
بجهت همراهی ایشان صلی الله علیهم و بجهتهم و آخرت
و عطاء خداوند او همراهی از ایشان صلی الله علیهم در
دنیا و آخرت و تمام دوستان ایشان صلی الله علیهم
و ایشان صلی الله علیهم از این صفت رحیمیت
خداوندی که در ایشان صلی الله علیهم با مؤمنین
هستند دیدن ایشان صلی الله علیهم انحصارا
بیرون مؤمنین ابتداء ارحام و صلاح برای خلاصی
همه را و آنچه گذشته الله از مؤمنین بالتمام بشفاعت
همراهی ایشان صلی الله علیهم و انزاح ذهن در این
مراتب معلوم چنانچه بالفعل شیعه و محبین دنیا بعین
و مطلبین انصیر ائمه ماها صلی الله علیهم جمیعا
عبد الله در تمام عالم دو برابر اید ند در همراهی

از روز و شب چه مدت تا آنچه بعد زمانی به یکی به زیارت
رمضان مطهره ایشان صلی الله علیهم مشرف الله از
ما الرحمن گذشته اند که رمضان مبارکه ایشان
صلی الله علیهم الی از توسل و تبرک و طواف و عکاف
و زیارات بارحام جاعتها جردارد بالاتصال می شوند
و چه بعد از به مدت رحیم داشتی بخیر از ایشان صلی
الله علیهم تر خداوند از برای دنیا و آخرت خود شان
چنانچه کسبوا ابکر همچو جه نماد نداشته اکر دند تمام عزت خلق
شده بالتمام ایشان صلی الله علیهم العزة لله و لرسوله
و للمؤمنین ایشان میباشند صلی الله علیهم در دنیا
و آخرت ابد الآبدین خداوند اهل ایمان با ایشان
صلی الله علیهم را زیاد تر کرد اند و حوایج دنیا و آخرت
همراهی ایشان صلی الله علیهم سهها برآورده که همه
بیمنا و ماصحنا همراه بیمین خود در آخرت در زمان

نور شان صلی الله علیهم مبعث بلغند تا بروز قیامت و
تا بعد قیامت الی ما شاء الله که خداوند را اول پیغمبران
داد صبا را با سماء خودش سبحانه که ایشان باشند
صلی الله علیهم فرستاد و بعد خود اسماء خویش را تبارک
جل و علا که ایشانند صلی الله علیهم خاتم قرار داد
و ابدی برحمت فرستاد فصل چهارم و شمه از مراتب
ایشان صلی الله علیهم هیاکل توحید اندکان
توحید و شرط لا اله الا الله اند و لا اله الا الله
ملفوظی چهارده حرفست بعد از انوار مستقنصبره من
الله مفیضه بر تمام عوالم اسماء اهل و زمینها بلا دا
اند در ایشان تر ظاهر فرموده شده اند حضرت رسول
و آل طیبین طاهرین معصومین او صلی الله علیهم
لا اله الا الله مکتوبی دوازده حرفست مدار
عالم بدوازده نفر اوصیا صلی الله علیهم در مرتبه

عزو ابنیاء تمام که مخصوص است با ایشان صلی الله علیهم
صلی الله علیهم چرا نخواند و منافقین را در ترسانند حضرت
بالتمام و تحمید و تسبیح انتقال مخلوق اند خداوند را ادا
تملکی ایشان صلی الله علیهم شرق و مغرب و فوق و تحت
تمام عالم در تحت خداوندی خدای خداوند جل
و علا در تمام جهات او ساعت که تا نه تا زمان هر یک ایشان
صلی الله علیهم از اتحاد و وحدت حضرت و عالم عجم تمام
مراتب و ختم بجامعیت معلوم است و شدت عالم و کون
مراتب ایشان صلی الله علیهم بحسب قضاء با علان دا
محقق از برای خداوند تکوین الدین کان الله سبحانه
است اول ولای ما اهل علی امیر المؤمنین صلی الله علیه
در تفرقیت پرستی و دلالت بر خدا و یکانه پرستی در دکا
حضرت رسول صلی الله علیه و آله بوجود مبارکش کو
از برای خدا که واضح است خلق در مرکب احتیاج

مفتقرند بالذات خاکی اند انحطاط صفت خودشان بالتمام و همچنین

همه خلق انسان که مفتقر و محتاج هست به پا و چشم و گوش

و سایر اعضا و جوارح و متعلقات همه و همه را احتیاج هست

و علم و عقل و فعل و حرکت و سکون و حلول در مکان

و همچنین الی ما شاء الله و همه خلق تا الحال حوادث اند

در ترکیب خودشان و مفتقر اند همگی معلوم کننده اند موجب

ترکیب کننده او معنی اند که منزه علی الاطلاق غنی بالذات

حکمت عزیز علم و قدرتش محیط [illegible] شنوا و [illegible] و

اند اشنا [illegible] بالذات محیط [illegible] که خود شناسنده

مخلوق خود [illegible] غیر از همه اشیا

و [illegible] شریک [illegible] خالق منزه از تمام اشیا و از تمام صفات

ایشان و تمام عوالم امکانست شبیه هیچ ندارد که

معلوم هست انواع و اقسام و اجناس همه منفصل و الفاظ

[illegible] مفهوما و [illegible] معقولات و موهومات و هم

چنین عالم [illegible] بعد بالتمام مخلوق [illegible] عالم امکان محتاج

او هستند و تمام عوالم امکانیه و اشیا در تمام و اجزا از برای

تمام هست بالتمام عاجز و فقیر و محتاج ضعیف ممکن بالذات اند

کامل الله [illegible] اند و بالتمام از او بالذات سبحانه [illegible]

چنانچه [illegible] هیچ [illegible] غنی [illegible] واجب بالذات

معلوم هست اینکه منزه از تمام اشیاء و از تمام صفات

که تمام مخلوقات [illegible] را ذکر کرده [illegible] که خود

خودش [illegible] بالذات شناسد و [illegible] شناسایی خودش [illegible]

خودش [illegible] ساعت ساز [illegible] ساعت ساز دیگر

خودش [illegible] دیگر [illegible] احتیاج [illegible] شناسد ساعت ساخته

شده از [illegible] خودش [illegible] که [illegible] دیگران

هیچ جهت شباهتی ندارند [illegible] سازنده ها

و ساخته شده ها [illegible] خدا را از برای [illegible] میگویم

[illegible] شبیه خودش [illegible] شناسد مخلوق [illegible]

که

کر محمد و دل خود شو اند اما جه امت جه نو اند از خود شن معمهد
تا حیز العقبا بالله بخواهد تمجا وز از حد خود شن تفهمیدن نکند
وانبا نیست بادیدن این همه ایات روز رتبه عقل خود ش
تقریر حاجت اینکه بدانند که اکر دو خدا فرض شود هنوز بلا
وانسلسل چنانکه بین است اینکه هر یک را احتیاج باشد و
و هکذا مبادر دره احتیاج بحد انتها رسد بسیاری نقایص لازم
وارد و هر چه در لازم مباید خدای دیکری غنی بحجعی بالذات
الازم وحدت واهر چه واند باشد که هر چه مخلوق او میشود
وحیثیت صفات اسما ها مخصوصا غایب بر صنیما است یکجا نه
واضح است واجب الوجود خالق همها است واو سبحانه
منزه از تمام مخلوق است و غیر تمام مخلوق است محیط میشود
است بالذات بهم چیزها و کلیها بالتمام و بر خلاف مخلوق
است و مخلوق عاجز او بنده بر خلاف او هستند و عقل
ماها محمد علی و آلهما صلی الله علیهم اند ائمه معصومین

ماها کر از جانب او شبایا بجهر و از اینها ماها و سیله دیان معنی
لیندی که از خود شان با ما است صلی الله علیهم است که
ماها را رسیدن بان هیچ جه ممکن نیست ایمان ماها
بما است بعجایب ماها عجیب شغل ماها را خواهد بود
و لیس و لا غیر به هم چنین سبحانه دا و جل و علا ملت تر و شما
و حکم ایشان انتهای و هم تمام عدد و در نقایص بسیار لازم می
بلکه خدا یعنی او هستی بها ایشان مثل حیثیت غیر او غنی بالذات
نیست و غنی بالذات یعنی خود غنا او خود ش است بجد
چنانچه وجوه علم عدد سمع بصر غیره حکمت وامثال اینها
کر ضد از انتوان بار نسبت داد کهر میشود هر یک
عین ذات خود ش است بهر چیز داکه نتوان ضد آنرا
نسبت باو داد مثل عجز است ضد آن عجز است دا نبود
کفتن و هم چنین نسبت اینها صفات افعال خود ش
بالتمام مخلوق خود ش هستند حالکه معلوم بالوجوب

[illegible]

وهمچنین تا آخر هم اشتباه کرده‌اند در حقیقت اسماها
و زمینها با این عظمت و سنگینی و اگر هیچ جهتی نیست راز
همه حیران بلا شیء محض محتاج است متعلق یکاه ... آشنا است
وهم چنین الی ما شاء الله بسیار هست نه در اخبار کفا
که هست بعجبه نخواهد بود که در مصنوعات او تفکر از خدا
بصیرت بتو بهر اینهم خواهد فهمید و توحید او متصل با اتصال
ذکر او سبحانه و قول او معرفت نبوت و مبادی عصمت
و ولایت انوار عظمت صلی الله علیه است تفویضا و تسلیما
که معنی اعلم بجنب شوا انا مردم سر خود بنا شند از توحید
تا آخر غلبه همه آن طوری که نه او هست ضو ...
باشند و تفکر در خود سبحانه گفته ها ذکر است ...
جز حیا شرمنده معالجه نبات لله ... که
و معالجه نبات از افعال مخلوق است و او منزه از
در مخلوق هست بل او هست نامفعل الاداده و التشبه تعالی

لما این معنی که گفته شد پس هیچکس هیچ جهت که او را
بالذات بشناسد و خود شی خودش تحمل لا شریک له
ذاتی که خود شی شناسا نخواهد شد باشد بار دو می‌شود
که خودش باشد و شناسائی باشد شرک است پس خود شناسائی
خود خودش هاست که خودش است بی حد و بی عد و بی
ضد و بی ند سبحانه و تعالی الله اکبر اجل من ان یوصف
عجب اینجا بینا تعال خودش محبوب و جود خودش ظاهر
کردنه میکند و بعد ابر باران نازل میکند بادها میفر
و درختی سبزه ها در عین گرما سرما و در عین سرما
گرما در بلند رود و شعر طب شاعت و در میان
میکنند هوا و تابستان و پائیز و زمستان تغییر میدهد
شب را صبح روز روز صبح میآورد روز را صبح شب میآورد
خورشید و ماه را سیر میدهد و ستاره‌ها را سیر میدهد و
کیاهها را سبز میدهد و انتظام همه از محبت بار الادم

نا باید ... سخنهم با جلوه هست سبحانه کلام و اداین اثر ادرا
... بدین بانکه ایمان بمحمد خاتم النبیین و بعلی امیر المؤمنین
و آل معصومین صلوات الله علیهم و بر پروردگار
ایشان پروردگار عالمین هست و ادم در منهاج ایشان
... بموالات و متابعت با ایشان و قرآن ائمه
من خلفا من نصب پروردگار و برائت از دشمنان
ایشان هیچ گفتن من بسنت لا اله الا الله بس خوب هست
ایشان ملفت دائم امکان تا بر نتیجه تمام آن در ذات
و صفات خود بشود عجز و فقر و احتیاج و معلول بودن خود را
از برای حوادث ببیند خدا را منزه از تمام آن بلا تشبیه
بداند و در باره ملفت خود بشود که حقیقت ذات
و صفات خودش را با این ترکیب نداند و خود را هیچ چیز
بکند نشناسد ذات خود روح و عقل و ذات خود را بید
شنوا و امثال آنها را در خودش ببیند ظاهر نبیند

و آنچه در خودش هست و اعتقادش آنها را چنین ثابت بفهمد
که بعد بیند باید ایمان و اعتقادش همچنان در خلد ثابت نکند
ثبت باشد پس بفهمد که خداوند منزه از همه آنها خالق
همه چیز بلا تشبیه با وجوب شرح البتة ... و لکن بر
هیچ چیز بالذات دیده نشود و شناخته نگردد و هم چنین
ببیند بشود تفکر کند تا خود را از غفلت بیرون بیاورد
و بداند که تواند در تحصیل علم و معرفت جای آورد
طاعت و عبادت با اعتراف کوتاهی خودش در هر حال بگو شد
د سزاواری او سبحانه را در عبادت و طاعت خلق از برای
امثال خود شان از جهل بکر ... ابن آدم قاصر چنان رسید
چنانچه واضح است اگر کسی از مردم ولادت عجلی بشود نخو
لحوال بری از او مفخر کرده بکبیرا اضافه بشود ضلالة
شود و هم چنین بلا از آن با سفال او و متابعت تا برسد
بانکه معصوم باید در بیت خانه او رفتن و در رکاب

و یکی که بی بهره شوند و فخر جهان جای اوند
ما عبادت حق جهت نجات خود داند شود مقصود انسان آنکه
خضوع و خشوع با اندازه شأن طرف مقابل است از این
جهت شأن خداوند را که حدی نخواهد بود حد خضوع
و خشوع با التزام طاعت و عبادت سزاوار است پس هر بنده است
اظهار عجز خودش و سزاواری خدا است در هر حد از
عبادت و طاعت فوق العادة ما عبدناك حق عبادتك
جز حد کوچک خود بنده و بی حدی شأن و عظمت
و بزرگی و کبریائی خداوند سبحانه که هر بنده باید معترف
مقصور خودش با اخلاص و تذلل و عجز و نیستی و فنائی
خودش اند و حق خالق حقیقی در مقابل حی لحظه
ابدی قلبا و لسانا تا ابد کان و جان خودش هوا را شد
و غیره از این هم ایات اتفاق و انفس بکنهه و اعتقاد خود را
زیاده از حق تعالی با انجمله از غیر خودش است و مذکور

شد

شد بدانست که خود ذات لعوامی حی بنده اضافه موان رهم
نعمان انتخب و بعلکه بیفکند هر چه بنده او کرد و ضد خود بد
باشد زانکه مجمعه و فکند شده با او بنده حیکر بدحی
توان گفتن در همه لغات انبیاء هستوان نکه هیچ جز شده
داخل و خارج تو امتزاج و تباین حاصل نکرده بطوری است نجا
گفته هیچ جا ان خوبدانید و بد بنست با انکه خلوقی و حی
فلعه صفه اختیار خودش است حقیقت از انداند جا
مخالف مظاهر با الحق دارد و او را شبیه لیسا است و هو
چنین اثبات هستی خود که در خودش است با ان بنوبه یا
بخیال مخصوص بر وجود ابا ورود هیچ نباشد معلوم و با صحت
انکه ساعت ساز ساعت نبود و طاق ساخته نباشد
شد منکر بدوهم چنین پس این صفه واضح هم کس
که خداوند علی اعلاء شبیه ندارد و بگفتن دحلی و حتی
لیس مثله اینهم خلق کرده است محیط قوة بالذات بجد شت

کم ور

که خود شریک اند تقدیس لا اله الا هو العزیز الحکیم ما اعاده عجز از
معرفت راه دیگر نیست و از عجز معرفت خود ما را بخود ما
ما را کافی است و چیزی که معنی عجز ما را اعاده بنمایند ما را هست
با ائمه ما صلی الله علیهم و با این جهت منصب اعطای ایشان
از خداوند جل جلاله نفد ایشان و لطف بر ما که قبول [?]
قبول کنند از ایشان و بسبب ایشان صلی الله علیهم است
بالتبع مخالق را من شناخته شود بذات خود ذات او عین بوده
قدرت و علم و سمع و بصر و حکمت و وجود و حی علیحده او
باشد خالق و حاجب و ظاهر و باطن و نزد او هیچ چیز را
نباشد و او همانکه قبل از اشیا بوده حالا با این همه اشیا
هست که بوده هست و باشد افی الله شک فاطر السموات
والارض که او هست وحده لا شریک له جل و علا الله اکبر
ولا اله الا الله والله اکبر و ذکر هست اجل است از اینکه وصف
کرده شود و او سبحانه معلوم است از تمام اشیا سموات

والارضین

والارضین و تغییرات و بطلان ذات و صفات مخلوق
در صفات او است که او هست و محیط بتمام علم غنی
بالذات هست خالق تمام آن سبحانست عجز تمام آن که منزه
از تمام کم و کیف تمام است که در وجوب نیست و چه
سبحانه است وجوب لطف در فرستادن سفراء منصوص
منصب خود که از انبیا و مرسلین و اوصیا دارند که
خواستهای او و توحید او صلی الله علیهم اجمعین در خلق
است متابعت فرستاده او هست و خلیفه منصوص و
منصوب او هست امام بنصب خداوند سبحانه در خلق
باختصاص و بعضا جا بجا توحید خدا را بیاد داشتند
تا حضرت امام جعفر صادق صلی الله علیه که دین و مذهب
حق بوجود مبارک شان تا بحال خود را از آن پرده جهل ظلمات
مخالفین درست الشد را و دعوی برواج در عالم داشت
کردین حق در هر زمانی باعتبار مردم در امثال اخبار

قسمها

نفسهای خود شان نمودی لازمه دو اح و حفظ عالم و شرع
و شرعیت و مؤمنین بوده و اجله افاد و اصحاب و فتنه
کردنت اولاد در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله که
معلوم هست و بعد انبساط و خوابیدن فتنها و خفاء
اصحاب کاذبین و صادقین مردم در خود شان حضرت
رسول صلی الله علیه و آله خلفا و اوصیا خود را از اهل
بیت و عترة خود بیان با اسم بیدند نام اثنی عشر را یکا یک
دیباجال انکه فرمایش است اولنا محمد و اوسطنا محمد و آخرنا
محمد و کلنا محمد صلی الله علیهم در شهادات اوصیاء خود را
بالتمام بیان داشتند بتفصیل بالجمال انکه فرمایش است
ما منا الا مقتول او مسموم و بیان انکه فرمایش است لا اسمو و لو معصو
باشد و محل تربت تمام ایشان صلی الله علیهم بالبیت
بتفصیل فرمودند از جمله امام هشتم علیه الصلوة و
السلام را در خراسان بیان تفصیل و غریب به ارض

بقعه بین طوس روضة من ریاض الجنة و همچنین همه جهة
اصحاب ابرار و اشقیاء و محل تربت از جمله مثل انکه میثم
تمار و حذیفه و حبیب بن مظاهر و سلمان و ابا ذر و عمار و
امثال ایشان حبیبا رسول الله علیهم که شهید بوده اند
سبب شهادت با خود شان چه مصیبت و اختلاف امت را بر
هفتاد و سه فرقه بعض فرقه ناجیه و باقی همه هالکه فرموده
و غیبت و ظهور و کیفیت امام دوازدهم حضرت محمد
صلی الله علیه و عجل الله فرجه را با امر الله و انتقام او
از ظالمین و پاک شدن روی زمین بوجود مبارک او و از
تمام فتنه و فساد بری شدن عدل فقط و نزول
برکات آسمانها و ظاهر شدن برکات زمینی و گنجها و معادن
بوجود الحجر او در عالمین و همچنین فرمودند علماء امتی
کانبیاء بنی اسرائیل حجه ابن فرمایش و جوهی بنظر این ایام
میابد از جمله آن با عقیده اصل فرمایش افضل یاد مفهوم

دائم هست خلفاء معصومین از آل رسول صلی الله علیهم
شاه وانت تمام انبیا و رسل و تمام خلق الله که اولو العلم اند
مخزن و منبع تمام علوم تا بسیط در تمام عوالم اند و در زد
اولو العزمی بالجود بجمیع خاتم صلی الله علیه و آله اند و باعتبار
فرع تمام علماء تابعین اثنی عشریه در غیبت کبری از ... اند
و باعتبار حکم باختصاص از ایشان عام نیز بطریقی ثابت
باشند اند در شی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ائمه
هدی صالبین علا حلال و حرام و مستحب و مکروه و احکام
حدود امرین و ناهین عاملین مقیدین بمحض تعبد
محض در اینجا باشان اناصل صلی الله علیهم و سبله
است باشد باعتبار عمومی بنابیت چنانچه تمام سبها
در طریقه خود تا حبر از این امت از جانب ایشان صلی الله
علیهم و در هر قرن بود شمری مقلد بودند از جانب ایشان
بوده اند در بیان تطبیق و اتفاق در امت باشد اند

[illegible]

بافقاء

و اختصاصات دا است باشد ابلا چنانچه اکثر اصفیا این ... از
و لحنات در ایام شایقه بحسب سوء اختیار بهم گم خود شانرا
بر شان بتلخ کرفته ابلیس در تبعیت با ابلیس بهمه جهت
که خود شان ابلیس بدر معلوم گشتند تا روز وقت معلوم
چون مطلق کفر و اختصاصات کفر به خصوصیات نعمت

فصیل پنجم در خصوص ابلیس و دره استطلیسکم

چنانست چنانچه معنا باید اینکه ابلیس لعین قبل از خلقت
آدم علیه السلام شاید بخوبی در هزاره سال عبادت
خدا کرده بود و لیکن بسوء اختیار خودش تکبر از سجده
آدم علیه السلام کرد که رجیم و از اهل جهنم شد و ثمره
عبادت کرده خود را در بنای خود عبادت خودش
تا یوم یبعثون خواست و بهرانی کرد و حسنات قرار داد
شده هست بلند داده باشد هست هزاره سال الی یوم
الوقت المعلوم چنانچه باد فرموده شده که باشد
کیفیت ابلیس آ در اخران اول دولت ...

طاهری

تا ظهور مهدی آل محمد صلی الله علیهم اجمعین ابد الدهر بنا

مستقل از رسالت که تا بعد از ختم دنیا هست تا ابد دنیا من

با آن فضل که برخورده که بهجهت بتو پدو استفاده آن

آنهم لوازم الزمان بر صد هزار سال بقیه عمر دنیا

آنحضرت آدم علیه السلام تا ختم عالم توکلت علی الله معهم

بکوم شاید نظر مبارک خود سموات و ارضین حضرت

امیرالمؤمنین صلی الله علیه در صبح خود شان آیات

نهاخود عرض این کلمه که کتاب خدا هم که فرمود با ابلیس

لعین فانک من المنظرین الی یوم الوقت المعلوم که ابلیس لعین

اول ابا بر غضب کرده پوشیده در مهلت خود او گشتید

و مردم هر یکی ابلیس یکی از شیاطین اولاد ابلیس در آید نه

عده ابلیس بنشسته حق را با فهمیدن خود شان

حدائق نما اکرم شده حضرت این یکی در هر او نشید و هم

خبر من شیمی به جهان میرانده به اهل لعین که رسید خود را

مساوی حکم کرد اینکه ابلیس لعین عین ذات خود را در خدمت

زید لعین جهنم مکشوف نما پس بعد به همراه مثل او

تا عنیت

مبتلا بالمعنی آنکه برای حضرت صاحب عجل الله فرجه

که بسبب کبرای غیبت آنحضرت صلی الله علیه ابلیس لعین

لئن کند با شیاطین اولاد خودش به دیوانه و ادیان جهان

این وان شدند که پیشینیان اضلوا تا ظهور حضرت

صاحب عجل الله فرجه بواسطه جهل جامعی از خوب

خدا مطهر در سرور کرده و باشد تا زمانیکه حضرت

رسالت پناهی صلی الله و آله آنان اسم برابری نازل شود

مش

با خوبیه ستمکار کش در هر فتنه که ابلیس لعین با مخوف

همه کار فرما بعوا با حضرت امیرالمؤمنین و انبیاء و مرسلین

عظیم

و اوصیاء مرضیین صلی الله علیهم که در غزوات به مقاتله

مشغول هستند و شاید ابلیس لعین بر بند خود را ابلیس

بخود شر علا الشوند و لو او هشتاد هزار سال در رجب

هم خلق آسوده کردند که یکی از اسماء ابلیس نیز همین خبیث
و شهید از دیار بنی آدم و طرفه که هشتاد سال بوده که بنی امیه
اصلی شجره ملعونه در فضلات خود شان جریده اند
و از امیطرف بر حسب ابتداء و انتهاء فتنه بوده بصفا ما اقبل
هر چند از کافر هار به بوده اند اول تا اسل هم ابعد
از بنی العباس این صفات و هر چند شایع و ذلیل شوند از صنایع
هر معطوف بتمام بنی امیه نوعی خواهند بود و من تشبه بقوم
من منهم جزو به متفقه این در اغلبیت مناحب منطب
بصیر و بینه بت نشستند بر همه اصلی و نوعی عجاجیه مدام
باشد چون ابلیس قسم خورد که همه شد بپای خود
اغوا کند خداوند نفرمود جهنم را از او و تابعین او
مملو کند همه الکی بخورد هر چه باید از دوری
بتبر باشد همه در نهایت نسبت خلق سال مقرضه با خلد
بر لطف خدا بوده است چنانچه همه و اخبار داوود دین حق حرد

دریاه

در بیان سوم چنانچه واضح گرویده که داشته بر سخن اول خدا
بوده است چنانچه همه دایم از حکایات و قصص احادیث
و انذار و احکام و مصالح و مفاسد آنچه بوده و هست
شاید بدانند و ابلیس واضح است از خطر این عشار و طلیعه
که شخص واضح باین بشنوند از این غمگین شود بیرار ازان
تعیین هست که او هست حرف فعیل بدو نصو بر مبلغ نکند
شخص مشمار میکرد که صدق الله و رسوله که خبر از وجود
او داده عظمی را اخذ ارا و کردند که طاهر امبیقن بر
از افراد انسان نوعی انجماد است که ولایت مولای ما حضرت
امیر المومنین علی و اولاد اطهار او ائمه ما صلی الله علیهم
کریمکه تعظیم از انهم دنیا و لطف الدا است بفضل خدا
ظاهر که کردد نجس شیطان از جمله خطرات غلبیه که بعضا
باید شخص دفع کند و ملتجی بال محمد صلی الله علیهم نبود که
چون کافات انسان بر علی علیهم الله دین ثابت

درانجا

و در تنها خودش را الحق نفس بماند علی‌حده تشخیص شخص حقا
و رسول او در وجود آن معین است که باید با اوصاف
ایمان شخص زیاد بشود پس با امتلاء عالم از سفر ثقه
جنود ابلیس بنوعی که بیش دشمنان هر یک
از اولیاء خدا صلی الله علیه هر طریقی از جانب
خدا کرده بود در همان طریق هر جهود دانسته تجلو
و مشغفانه هر نحوی در جهان مملکت ابلیس و
چنین زمان سوء اختیار مردم شیاطین جهت
بنها تمام شده دانسته بوده هر دو دیدند
سعی و کوشش را تمام نموده کوشیدند تا دین خدا را
معلوم کرده بر پا اشکارا صریح در شده در ان مرد
و طبقات بعد عنا بد از بعثة الله البشان صلی الله
علیهم معصو بر روی زمین بی در سبب استاظهور
ندجعت و بر مردم لازم کرده بلکه کوشش کنند

خودشانرا ابان حمبن حق برسانند و بفهمند قبول کنند
و خواستشان خودشانرا ابجای و عمل آورند و در کوتاهی
مقصر باشند پس در هر زمان که خوب خدا زعیتی روی
زمین از ادمیین موجود بجهت شده ند در کتاب
و اصحاب حق جنود ابلیس را از روی زمین بر دا شتند
در هر وقت شکر که بیند با هم با فهمید ز حق برگشتند
و از اصلاب انها و ارحام اینها اطفال حق مومنین حاصل شدند
و در جمع ابلیس که بند ندا عیا حق در بقیه و حکمت راه
رشند و جنود ابلیس خودشان همدیگر را تمام کردند
و نفی بعضی از ادنیه زنب و نفی هم در صورت خالی بودن
اصلاب از مومنین و هم چنین آمده و لغیه بالفعل است
رسیده و برسد تا بیک بار از خوب خدا پیدا شوند و صلاب
کوباز معایرت خالی کرده حضرت صاحب العصر و الزمان
موجود غایب صلی الله علیه عجل الله فرجه ظاهر شود

وانتقام از جنود ابلیس بکشد و بوجود اقدس مبارک او صلی
الله علیه و آله جل الله عز جنود [illegible] غالب کردند و دین پیغمبرا
از کفر و شرک و ظلم و جور پاک فرمایند و قسط و عدل در عالم
پر کرده و قرآن جمع کرده امیر المؤمنین علی صلی الله علیه را
در میان مردم [illegible] ابلیس لعین مخذول و منکوب
بماند باین تفصیلها تا که [illegible] شده ایم تا نصیحت و تقوا
بشود شما خوشنته الله [illegible] استغفار به حکم عالم از هر جهت
بلا و اضطراب آل محمد صلی الله علیهم [illegible] نالود کردند و خود
در تمام اهل عالم باشد چنین کویا باین دو صفت که در این
امت جنود ابلیس بوده [illegible] خود شان از قبیل کفرا
با بابا پیشه خود شان کرده اند و بغضب خدا افتاد او و
[illegible] تا جنود حق پیدا شوند و واضح اند اینکه شده الله از
مجوس و کوشانکو و سامری که اول هود این امت تابع هوای
نفس را اختیار خود شان بعد خلاف کوشانکو و سامری [illegible]

[illegible] تا عطا [illegible] در حال [illegible] بود نشان صورت
نصارا با [illegible] خود شان هم باشند که نصارا [illegible] چهار کتاب
از [illegible] دشمن [illegible] نصارا [illegible] این امت هم
چنان چهار کتاب از مالکی و حنفی و حنبلی و شافعی [illegible]
[illegible] و هامان و شداد و نمرود امثال
انبیا [illegible] آنقدر پیغمبری که
فرستاده شد [illegible] که از انبیا پیغمبر
خود شان را شهید کرده [illegible] تعالی [illegible]
باز فرستاده همچنان تا ختم پیغمبران صلی الله علیهم که
اعدا [illegible] غالب بر تمام اهل عالم کرداند و بعثت او عداد
[illegible] از جمله این
چهار [illegible] باشد یکی آنکه از [illegible] که خداوند در حق
[illegible] کفرا و نفاقا [illegible] جمع [illegible] خود شان
در [illegible] صدق [illegible] امانات اند ام

چنین فضایل و خصائل انبیاء و رسل از او صلی الله علیه و آله

به ثبت رسید چنانچه همگی او را صادق امین بر حق می نامیدند

دیگر آنکه هر چند در اصلاب آباء کرام نسبش یکی از ایمان

تا اصل باشد خالی کردند دیگر آنکه حزب خدا بر یکدیگر

جمع شوند خاصه حضرت علی امیرالمؤمنین مولای ما را

صلی الله علیه فیما بعد یابد و بیاری او برسد و دیگر آنکه

مهاجران زود بخانه و دیار خود برگشته بیعت نمایند که همه حق را

شود تا در بهشت که با اصحاب خود شیطان را از دل نفس دهند

و دیدن و شیاطین شنیدند ایمان بیاورد و هرکه خلف وعده

جاحد حجه باشد حزب خدا او را حکم خدا و حکم حضرت

رسول صلی الله علیه و آله بسزای خود برسانند و حزب خدا

بوجود انور او صلی الله علیه و آله بر جنود ابلیس لعین

غالب گردیدند و حق برپا گردید مفهوم است و واضح

آنکه خداوند خلفاء از جانب خودش با خودش بجانب رحمت

سازد انبیاء و رسل از برای ختم بعد از همه پیغمبران خودش قوام

العالم و رحمت او الکبری خاتم پیغمبران صلی الله علیه و آله

و اصحاب آل او عترت او معصومین منتخبین ارباب طاهرین

معصومین تا دین مبین بخوان رحمتهای رضوان و الارواح [illegible]

عالمین و غلب بسبب بقاء [illegible] منکوحین صلی الله

علیهم منصوب خود پس هرچه که مثل انبیاء سلف

در این امت از خلفاء ظاهر [illegible] که شهید کردند دیگر

از اشرار اخیار را [illegible] بجای [illegible] دهم

چنان تا ختم خلفاء کرام را خداوند عالم قاهر و غالب عدل

خودش بر تمام اهل عالم و منتقم از جبارة اولین و آخرین

ظاهر سازد دیگر [illegible] در این امت معلوم

[illegible] حضرت خاتم خلفاء صلی الله علیه

و عجل الله فرجه بفضل تا ظهور نماید و رحمت هر بود را

[illegible] رحمت بعید [illegible] ساخته

در همچنان شداد و فرعون و نمرود و امثال ایشان اسباب بد در این
امت شدند و واضح شدند زیرا که انهادهام سابقه
با عمرهای دراز با طول لانی معمر که بیه بوده اند و ایشان
در این امت با عمرهای نیا کم و کوتاه زیاده از ایشان
در جهد شدند و لسبب اسبابی که از ان فی الجمله ذکر
شد کوساله و سامری بر سماری این امت عملت داده
شده اند تا ظهور خاتم خلفا آ صلی الله علیه و عجل الله
فرجه کوساله پرستهار را بالتمام با انچه خلاف حق باشد
تمام نمایند تا عالم از ظلم و جور پاک شود و خود الی
منزه پر از عدل و قسط و نعمت و برکت و رحمت باید
تفصیلها اینکه در بوده اند در کتابها مشهور خان و شنیده
شده و حقیقت اینکه هست کرده و همین طور باشد تا
ظهور خود شان صلی الله علیهم و استغفر از تمام عالم در
کمال تمام نام ایمان و دولت هشتاد هزار سال ایشان

صلی الله علیهم علی همه شان معلوم کردید اینکه تمام
کافر اشخاصی تنگی بی قراری عادت اخلاقی دلبستی و ...
در همه عادت شجره ملعونه خبیثان هشتاد سال طرف
کفر و رحمت اختیار شان در ظلم و جور گفته شوند در
مؤمنان اولاد و سعی های ثابته فرع الوف طیبات
تمام شجره طیبه عالیه هشتاد هزار سال عدلنه ایمان
و رحمت در عدل و فضل و شکاری حقیقت عبادت
خواهند تا عاقبت کافر از در جهنم معبدهای سخت
بسیار شده بود مؤمنان از در بهشت نعمتهای بهشت
بسیار بی گواه و سیر بالالزام خواهند بود و این اثم
مختصر توسل با این حوت مبارکه کرامت عزت و جلال و حمای
سلطنت شماهی جلاله کمال که از انها مینویسیم و بصاحب ان
در همه او آخرت متوسل هستم ابد الابدین و الله سبحانه
هو الرؤف الکریم العطوف الستار العظیم بسم الله الرحمن

الرحیم انا انزلناه فی لیلة القدر وما ادریک ما لیلة القدر لیلة
القدر خیر من الف شهر تنزل الملائکة والروح فیها
باذن ربهم من کل امر سلام هی حتی مطلع الفجر و از خداوند
مسئلت میکنیم تعجیل فرماید در ظهور و طلوع صاحب
ما و صاحب عصر و زمان صلی الله علیه تا تعجیل باشد
در فرج عظیم ما و در ظهور او صلی الله علیه و همچنین
بعد از تفضیل فرموده‌اند و از فرمایشات خود شرح کرده
و علی هر بعد باید این امت خوانند که علی اسم مبارک
هر دو یعنی اسم مبارک در بیت در یک حدیث انا مدینة
العلم و علی بابها الی فرمایشی که فرموده‌اند و همچنین
چنین بسیار و همچو هیچ چیزی باقی نگذاشتند و حضرت
امیر المؤمنین علی صلی الله علیه را در غدیر خم علانیة
از جانب خدا نصب نمودند و بیعت کردند و عقد [illegible]
خود شان را باو بستند هر دو سعادتش چون قرآن و عترت

خود را تفویض نمودند و چون بسبب تمام [illegible] مردم [illegible]
و بعضی کفر [illegible] اتباع [illegible] شد
دوات و صحیفه طلبیدند تا بعد از آنکه مدعی و اصحاب
و اتباع او [illegible] چون با کفتن آن کلمه کفر از
بعضی آنکه [illegible] بالحق و اشتغال اشکار شدند و جمعی
بر بعضی از آن مجلس بیرون کردند دوات و صحیفه دیگران
حاضر کردند قبول نفرمودند و معنی آن معلوم است
آنکه [illegible] معلوم شد که کتابهای [illegible]
و [illegible] نوشته کرده [illegible]
[illegible] تمام شد دوات و صحیفه دیگر لازم
ندانستند چنانچه صحیفه [illegible] بالفعل در عالم و [illegible]
[illegible] مبارک خودشان شرح فرمایند
[illegible] فرموده‌اند بوده [illegible] مردم [illegible]
شد اشکار شد [illegible]

احدی صحیح حرف الهی موجب بوده ... خلاف داد را اعتبار نمو
خلاف نمو اکفتند با انکه خدا فرموده لو اتبع الحق اهواهم
لفسدت السموات والارض ومن فیهن بل اتیناهم بذکرهم
فهم عن ذکرهم معرضون منقلب بر عقب از ما الله د
پیدکه بتحقیق خداوند خالق بوده کردید منافق
ومرتد شدند حال انکه بالضروره مسلم است که باید
پیغمبر و خلیفه او معصوم از ذنوب طاهر از عیوب
اشرف در حسب ونسب منصوص بودن خدا باشند که اکر
معصوم نباشند مثل ما از مردم اند مقبول نخواهند
بود دو مرتبت بر دیگران نخواهند داشت پس خدا حجت بر خلق
در هر باب بر ما میشد که در پیغمبر چرا باید او پیغمبر باشد
و ما مثل او هستیم نباشیم و هر بلا لازم میاید از مرد
در هر شادی با اصل کلیه که عدم عصمت باشد بر هیچ
خودش پیغمبر باشد و مخصوص نسبت با فراد مخصوص صفت

بپیدا میکرد و نسبت دروغ دادن با و روا میکردید اکر
ظاهر از عیوب نباشد هر کونه از امراض که مناسب نزد
نسبت باو دادن روا بود حکم او بر مردم روا نمیبود
او اشرف نباشد امتیاز ذاتی نمیشد و اکر منظور از
بودن خدا باشد او و اکر در اول عمر کافر و سجده بت کرده
بود شاید عقلا حکم شرعی او را نمیکردید برا خبر از
مردم و بعضی که در بعید منظور بودن خدا منصوب شد
و بادر بعضی که بودن خدا منصوب شده بوده اند و ایمان
اورده بودند کی کفته هم چنین خلیفه او مثل او نمیشد
دارد امتیاز پادشاه بر بزرگان عسل نسبت بر عیبهای
خودش نتیجه ما و درب اقامه و امتیاز پادشاه ما چنینها
نسبت علمیها وهم چنین که قرار داد خدا لایق است انبیا
قرار داد خدا نه نسبت بتمام خلق خدا از برای تمام خلق خدا
در سموات و ارضین دنیا و اخرت ابد الابدین بتمام جهات

ابتدا ساعه طبقه هر چیزی منصوب از جانب خدا است منصب خدا کرده بلد
و هر هیچ معصومی خدا خود شرائط خلیفه از برای خود نصب کردن
معرفی نکرده بجعل و باختیار مردم کار خوانند خودش را
وانکه اشت و حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله خبر فرموده
انچه در امام سابق شده در امت من خواهد شد که خدا خبر
میدهد و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان
مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم فمن ینقلب علی عقبیه فلن
یضر الله شیئا و سیجزی الله الشاکرین با ان ابن حجر بیت
کرده هر حق را واضح است باب مدینه علم را وا کذا استخلف
خلافت بعد وصیت پیغمبر نوانستند مخالفت بوده ظلم برا
در عالم کشیدند تا ان معلوم شد که خدا فرموده الذین
ینقضون عهد الله من بعد میثاقه و یقطعون ما امر الله به ان
یوصل و یفسدون فی الارض اولئک هم الخاسرون و در بهمه دنیا
بوده هر که بامام منصوب خدا نبود که عالم بتوحید معرفت

وله

وطاعت و معصیت او بر پا است تا شکر تامل جعلی خدا نخواهد
بود زیرا انکه خداوند توحید و معرفت خواستند خود شرا
بحسب قابلیت بعض امام معصوم در سلطنت خودش بوده اما
مردم را امر بمتابعت و عنایت با او فرموده است تا طبیعه مردم
در متابعت دخول انچه خود او هست که او را خوده شان نشوند
بفهمند در عالم از برای او هست موحد باشند و مردم بعض
در جاهلیت افتادند تا انکه حضرت سید سادات شهید امام
حسین صلی الله علیه با جنین کنت معه که شهادت او صلی الله علیه
اختیار مردم را در خلافت باطل کرد و واضح فرمود که خدا شد
شان شهید کردن سید شباب اهل الجنة در جان حضرت رسول
صلی الله علیه و آله خامس اصحاب کسا صلی الله علیهم باشد
حال عقلی است امر خلافت در اختیار مردم نبود و هیچ جبر
هیچ حکمی نیست باشد هر که هیچ جبر بوده و نخواهد بود
که اختیار مردم در خلافت که نبیاد [illegible] ذرا

کرکز

کفر بیعنی از این بالاتر چه شود که نعوذ بالله که خدا را عز و جل

تعالی را از نصب خلیفه از برای خود بر بندگی شما باین معزول

بدانند و در اختیار چنین مردم بگویند تا هوای نفس اماره

خودشان باشد چه اختیار خلیفه از برای رسول خدا را

ندهند و چه اختیار خودشان ذات مقدس رسول خدا را

شهید کنند که حضرت امام حسین ... حضرت رسول صلی الله

علیهما السلام خاصه معجزات بعد از شهادت امامت

خود ... بود ... زندان خود را از جانب خدا معلوم

در شرح فصل ... از اسرار و در بردن ... خلیفه

طاهره از کربلا تا بشام ... هیچوجه ممکن نشد حجت باقیه خدا

... که اهل عالم که ... این شهادت از خدا ... اهل

عالم در هر ... تمام شد ... بواسطه اخبار انبیا

و رسل و اوصیا موافق کتب سماویه موضوع این شهادت

... خدا ... این شهید ... انبیا

مبارک

ما بلا این شهید ... اولیاء ... خودشان را مصائب

این شهید ... شفاعت ... شفاعت این

شهید با اجسام حضرت موسی و حضرت عیسی ... با آمدن

بعد از خودش و ... خاتم صلی الله علیه و آله و

علیهما ... همچنین ... مثل ... کودک ... نفرات

جا ما ... حکایت ... دکر بر مردم است

طلب کنند ... خاصه در ... زمان خودمان

بملاحظه ... واضح است چه گونه ممکن

باشد این همه فرقه ... عالم

در ... عالم

... سلف

... خاتم

عالم ... معلوم و از این اشکال ...

عصر ... صلی الله علیه ...

تمام

تمام اهل عالم که عالم تشو بجهة روز ابو ملعون ملعون طامان خویش
و با ائمه معصومان نکردد هر جه غصب طول کشید زیاده با سنر ائمه
که دارد و واضح ترکرد در تمام مدت طول کشد تشنه را خبه بکند د
عالم بوجود انکس بعد مبارک منبر اند را ازدواج خود زاد با ضمن
پیغمبر را و صلی الله علیه و آله پنج ضاحب پیغمبر او
صلی الله علیه و آله نقض و خلیفه بود را با امت با این شهادت
و غصب نامه منذ که با ذنب مردم در غصب کردن دیگر
چرا غصب یک بار هم در خلافت بعلی که غصب کسی نبود باشد
را شیر ابو بکر سخت مفتوح شد که تمامی بالتمام غصب
خواهند بود که با این شده اند واضح شد که با و اعظم شد مصائب
که حضرت امام حسین صلی الله علیه و سلم رحمت خدا هست در مظلومیت
قطع شد و دست کلیه صحیفه که بالای سرهای مردم ورق
ند غصب خلافت بیمار بود سبب بود و هم انتظار و بعد از
حق را صاحب و اشت جمادات صلی الله علیه و آله کلیه

اهل

اهل عالم شد و عالم طوفان عزا و در هر جا سر کرد لکن
بنا دهد با سفر او عالم بجهة امام بعد از باشد و که چنانچه
استفاده این اثر است نمود اهلا که با خاطر دائره تمام
عالم را فرا گرفته اشتغال در لعنت بر ملعون لعین شیطان
و تبعه ابو بکر و عمر بود اضلال و اتباع او شب و روز
باشند آنگاه باندازه که با بهبود شاید از بولی امام
بعد جاری در سال که هم چنین در غصب
خلافت انهم اثنای عهد در شهادت او معلوم جناب
بر حسب تتابع اضافه شده اند مشغول شدند والله العالم
همگی در انتظار ظهور حضرت صاحب صلی الله علیه و
عجل الله فرجه می باشند تا انتقام کشیدن او از
خدا و چاره اهل عالم منحصر است با قامه عزا که بر از
برای آنحضرت صلی الله علیه در هر لحظه که مشغول
شوند تمام عالم را در دنیا که جمعه بکر فریب با ذم

بیعه مودنا بحبت خود انحضرت صلی الله علیه ارزقنی الله
طلب ثاره یعقبه وکیفیه من انصاره وخواص اوقاته
بفضله وهرکه خود را بخصوصیتی در رحمت خدا بخواهد فضل
باید مستمر لعنت بر یزید لعین پسر معاویه وامثال
او واتباع او خود را مشغول سازد لعنة الله ولعنت
تمام خلق علیه وعلی امثاله واتباعه که در شهادت امام علیه
السلام الصلوه تلف تمام عوالم امکان موقوف تلف
تمام خلق از فوق العرش تا تحت الثری است و فرد فرد
همگی خلق را حق قصاص و تقاص است از قاتل و اتباع
او هست در زیادتی که هر یک از مؤمنین خاصه را طلب
واجبست بخوانیم اللهم ارزقنی طلب ثاری مع امام
مهدی صلی الله علیه وعجل الله فرجه از بابت
ثاری معلوم است وهمگی را واجب است لعنت بر قاتل
چنانچه تبری واجبست وآن عبادت بسیار بزرگیست

در همگی تقرب بسوی خدا سبحانه وتعالی واسباب علو
است در فرح دنیا وآخرت باشتغال شب وروز که
عالم مثل اینکه دو بار از برای امام بعد ایجاد شد
ومعلوم هست عذاب قاتل را باندازه فعل خودش
بعد از تمام اهل دنیا است بسنگینی آسمانها وزمینها
دو دنیا وآخرت است ویاد کردن او تمام کارها آن تمام
دوستان امام علیه الصلوة والسلام است لعن و
سلام است تلفیق این اثم واشتغال این اثم هست
با نخبه هادیه مؤمنین وا از آن غفلت نباشد این
لعنت الله علی الکافر یزید بن معاویه واضلاله واتباعه
والمائلین الیه والراضین بافعاله الشیاطین فی
اسفل درکات سجین اعداء الله علیهما الخالطه علم
الله علمه سبحانه ذاته الذی لاشبه له متصلا دائما
لهذا در عقب هر یک نغمه ببدن واو عطف بگوید

سلام الله علی نور الله الحسین بن علی امیر المؤمنین و
جده وابیه وامه واخیه وذریته وبنیه واهل بیته
واصحابه اسماء الله فی اعلی علیین اولیاء الله عدد ما
احاط به علم الله عظمه سبحانه انه الذی لا شبه له متصلا دائما ابدا
مؤید بعد از حضرت رسالت پناهی بمسئله دو مباحث
از برای اطاعت امتنا ایشان را گذاشته شد یکی عترت
که ایشان اسم اعظم محال معرفت خداوند سبحانه جل و علا
با معلوم مثبت از سنهای مردم تا شهادت و دیگر قرآن کتاب
اعظم خداوند با واصحبت سوزانیدن و چه مثل ولید بن
عبد الملک پلید تیر باران کردن که تمام آن مصحف مجلد
اختیار تیر مردم را جمع داد در شرک و دشمنی و دعوای
با خداوند سبحانه و تعالی و جمع الملاعین لعین مردم
شیاطین آن مذهب اخباری آشکار نماد از این بود
که مبغض بن قرآن را در راه حق گذاشته محمد الله و منه

شیعه بسیار شده و میشوند تا تمام شدن زمان جهالت
و رسیدن زمان ظهور و بعد از رجعت با اینها با ائمه
شیعه باشند و معنی تمسک قبول اقوال عترت طیبه
طاهره خلفا خداوند و آنچه در قرآن است و متابعت
و موالات ایشان صلی الله علیهم چه در اصول عقاید
باشد چه در فروع آن زیرا که اجتهاد در اصول عقاید
این تقلید است که خود را بعض خدا بر سازند که از روی برهان
وجود ولی به اجتهاد و بفهم و ائمه را شناخته دیگر
تمام شد اقوال ائمه صلی الله علیهم اقوال خداوند است
منشور طیبر است از دشمنان ایشان در مقابل نص مجتهدان
باطل حال که بغض سبعه جاهد شکر الخبر را بین نعمت
عظمی اید به عوده تفویض و تسلیم با ائمه صلی الله
علیهم در کلیات و جزئیات اعتقادات و فروعیات
واجب تا دعوت توحید با ائمه است که حاصلتا

کرد که توحید ثنا بسنگی بعض خلفاء آن خدا است وقد عجب

بالتسبیح اند بزبان ایشان صلی الله علیهم از فوق عرش تا تحت

الثری جنبنا و الحوت من الملائکه والانس والجن و مطلق حیوانات

و نباتات و جمادات مصداق این شریفه و ان من شئ الا یسبح

بحمده ولکن لا تفقهون تسبیحهم معلم همین چهارده نفر

معصومین الله بتسبیحوا ابانا انا صلی الله علیهم شد

و علامت این است که ناصر لیم از این بوده که گفت تا بیاد د

ثالث دواج مذهب چنانکه حضرت امام جعفر صادق صلی الله

علیه ثالث است از حضرت امام حسین صلی الله علیه و هم

بلند و صحابه بعد و طبقه دین ثالث است ایشان حضرت رسول

صلی الله علیه و آله و دلالت هر یک ایشان صلی الله

علیهم بتوحید در هر حرفی از حروف کلمه طیبه مراعات

ما بعد آن از باقی حروف بر حسب نفس هر یک ایشان

این است چنان تفصیل داده شد معلوم است اینکه مرموز است

وملاحظه را

وملاحظه را بمثل شش حرف اول الحروف اول اسم مقدسنا

در اول شش حرف بکر ملت یک را با نجم بعد ایشان خود

وان هر یک ایشان صلی الله علیهم که ببلندی چنان معلوم

مبشود که در این حروف تمام و صفحه ای مرد عصر هر یک ایشان

بتفاوت اعمال و افعال اختیار بوجود آمده اند کو با خبر داده شده

است تا ختم حروف ایشان اشکار است که تا بست بوجود حضرت

حجت موجود صلی الله علیه و عجل الله فرجه جمیع ای الحسنه

همه اقسام و انواع الطاف در ایشان دعا مبین مثال همه

تا م در تمام کرد بدیده تا ظهور حضرت حجت صلی الله علیه و عجل الله

فرجه یعنی مبین باکه بعید و اهل عالم در تحتهما بالتمام

و عجل و فقط تمام باشند محمد که رسول الله محمد که نبی رسول

محمد نفس بالحق محمد هو حق الحق هر یک نفره دوازده

حروف است صلی الله علیه و آله و در خصوص افتخار تمام

المرسلین بعلمیت دوازده حرف است علی خلیفه الله

علی وصی وخلیفه علی الانام بالحق علی هو المرتضی هر یک
نفره دوازده حرف است صلی الله علیه واله و بر حسب
انحصار بذات وصفات وروح خودش علم کرد بعد امیر
المؤمنین دوازده حرف است و باسم فاطمه سبحانه جل و
علا اعنا مخصص فاطمه کلمة الله فاطمة جمال الله فاطمه
مرهم الحق فاطمه هی الملائکة موافق ملفوظ کلمه طیبه
توحید است وکذا جلال الله صلی الله علیهما و الهما
و بر حسب انحصار لمن اللقب بذات مقدسه طاهره صدیقه
کبری متجلی معنی دیر بود ابتنه محشر عظمی فاطمة الزهرا اعلم
شد وهم چنین فاطمة الصدیقه موافق مکتوبی کلمه
طیبه توحید هر یک نفره دوازده حرف است وکذا نور الله
صلوات الله و سلامه علیها انها الکونی است بابدال
دخبال و تصور وهم نرسد بعد فضیلت او بر یازده
امام از برای هر یک اسما نهاد و چنینا بجوهر یا از او مجد

نکته حکم عقل الوجود که تشت در منزلت وقلد وعقر شان
جلال بلنت برده یکصد و یازده خوام سیمان و از صفت
اودا فضل خداوند باشد لا اعه یف خود هست
چنان رسید نم و زبان و علم و عقل طاهر در بخشش
واضح و اهل شد و حضرت امیر المؤمنین صلی الله
علیه ید مساوی و بارت رفعت منزلة سید اشباب
اهل الجنة از جد و پدر و مادر و بعد از اولاد طاهرین
صلی الله علیهم اجمعین رسیدند و هم تمام ملک و ملکوت
لازم وارد و در گفتن و واضح اینکه همدا حضرت صاحب
جمال الله محمد صلی الله علیه واله وارث کرده است خداوند
کرم عطی است خودش را نهد و لیکن امام اول اسم الله
الاکرم امام حسن بن علی الشا حسن سید خادم حسن سید
العالم حسن هو المجتبی هر یک نفره دوازده حرف است
صلی الله علیه واله که امام اول و ثانی امام ثالث اسم الله

مظهر حسین مکتاب الله حسین ذات بالحق حسین اما
شهید حسین هو الاعلی [illegible] دوازده حرف
صلی الله علیه و آله و اهل بیته و اصحابه ده کلمه مطلوب
[illegible] طالب دوازده حرف است که همان ایشان صلی
الله علیهم اجمعین [illegible] زبان [illegible] حق کلمه طیبه
طالبه لا اله الا الله تا امام دوازدهم [illegible] هم است
امام موجود حاضر در اعصار غایب از انظار بقیة الله
با اسم مبارک [illegible] دوازده حرف است صلی الله علیه و جد
و آبائه و ابنائه مقصود محض تطبیق حروف در عدد نیست
والا انکه معلوم است [illegible] الی ما شاء الله [illegible] منظور
اصول و جوامع است که حروف لا اله الا الله انه صلی الله
علیهم [illegible] عالم و ساعات شب و روز
وهم چنین [illegible] عالم [illegible] در هر رشته
[illegible] بر همه [illegible] از حروف کلمه طیبه و کلمه

جامع و شجره طیبه ثابته و چهارده پنج حرف [illegible] فی
اسم ترکیب [illegible] حروف از این [illegible] قسم که هر [illegible]
از اسم جلاله کلمه [illegible] تمام اسما عظام و ائمه [illegible]
[illegible] حروف از اول حروف کلمه طیبه [illegible] حروف هر [illegible]
کلمات کلیات الجلالة اسماء مبارکه صلی الله علیهم و
آخر حروف با تمام ما قبل [illegible] جریان و لایت ایشان
جمیع صلی الله علیهم مفهوم اسم مکنون سبحانه جل [illegible]
لا یعلمه الا الله و الراسخون فی العلم و هم هم الراسخون
صلی الله علیهم من الله و حروف اول کلمه طیبه با حروف اخر
کلمه طیبه از برای انکه همه [illegible] که نفی [illegible]
میشود همه واحد شدند از برای خدا و شدند در راه
او سبحانه معبود [illegible] خاص محمد عبده و رسوله و آل
الطاهرین معصومین [illegible] صلی الله علیهم لا شریک
لاشتباههم در اصطفا کشف را [illegible] بایه

بدر ملفوظی سه حرف اوّل هفت اول هو حرف اول هفت
باحرف آخر هست در برخاستن از انوار لطف در به من کنه
خارج از بحر بر تقریر است بر حسب وسع خود این انجم
انجم از خطفات بورق لایح و مطابق گردید بیان
اجمالی هم از آن مقصود داشت و شنیده است دهن
آمده و بنوشتن بدست داده است شاید از برای کسی
ملطف الهی نبود تمام نماید و واضح تر و بهتر بیان
نماید بعضی بیان مفهوم آن و بسبب آنکه مثل آنکه همه
صفات واحد و طینت واحد و نور واحد بند منور
سموات و ارضین و آخرت ابد الابدین الله نور السموات
والارض مثل نوره کمشکوة فیها مصباح المصباح
فی زجاجة الزجاجة کانها کوکب دری یوقد من شجرة مبارکة
زیتونة لا شرقیة و لا غربیة یکاد زیتها یضیء و لو لم
تمسسه نار نور علی نور یهدی الله لنوره من یشاء که ایشان اند

اشا خداوند تعالی ابداع خالق تمام آنچه در ارض و سما و دنیا
و آخرت و منزه از کم و کیف تمام آنچه خلق کرده است محیط
بنوم بالله لنست بتمام آن بالتمام و بالتمام تمام آن خبر
او هست سبحان هست لا اله الا هو پروردگار محمد و علی
و آل ما صلی الله علیهم پروردگار عالمین هست وحده
لا شریک له و اسم و لا بنا ایشان صلی الله علیهم اسم
اعظم خدا اکثر آن اسم نعوت ایشان نور سموات و ارض
که چهارده نفر ایشان صلی الله علیهم شاید با نیطور
باشد اسم پرده شده اند در این آیه شریفه مبارکه که نور
اول این آیه شریفه مبارکه حضرت رسول صلی الله علیه
و آله النجباء و بنور آخر این آیه مبارکه مبشر حضرت
حجة صلی الله علیه موجود هست یجعل الله فرجه و خداوند
سبحانه منور سموات و ارض هست خالق هست گویا این ظاهرهم
معلوم آیه شریفه است چنانچه قوام عالم به ایشان است

همه عقبه هر کس در غلبه بر مبین و حق مصداق آیه
شریفه والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا بوجود هر یک
ایشان صلی الله علیهم بر روی زمین واضح است و باطن آیه
شریفه و باطن باطن و هم چنین خداوند فضیلت هر یک
ایشان صلی الله علیهم را که آسمانها و زمینها از تمام دنیا
و آخرتی انتها و آنچه خبر است در تمام آنها بالتمام فضیلت
هر یک ایشان صلی الله علیهم تا آخر ایشان که بالفعل عالم با
بوجود مبارک او بر پا داشته است تأمل کرده در فضیلت
هر یک ایشان صلی الله علیهم که عالم با این عظمت از برای
هر یک ایشان صلی الله علیهم بضرورت وجوب بر پا است و آخرت
از برای همه ایشان تمام دائم ابدالابد است همین دلالت آنچه
گفته شود در فضائل تمام است تا ختم این دوازدهم و چهاردهم
ایشان صلی الله علیهم بر چون بعد از او پیغمبر و امامی
خواهد بود لهذا بجهة حفظ او و حفظ عالم بوجود مبارک

او

و از شهای مردم غیبت از شناختن مردم او در الادم
مثل گویا از جمله تا اصلاب کفار از مومنین خالی گردد
و مخصوصین از نوزکان اصحاب در سیاه باشند آنوقت
ظاهر شود **فصل هفتم** در بیان تکلیف بود
و بالفعل کانی السابق اعمال تمام عباد در عمل بنص قرآن
معلوم که فرموده قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم
اله واحد فمن کان یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا
ولا یشرک بعبادة ربه احدا و بیان اصل در عمل صالح
الست که فرموده اند مردم را آگاه کرده اند باینکه هرکه
عبادت بکند اسم خدا را با مسمی که خود ذات منزه از صفات
اند خدا است او مشرک است که اسماء خدا بالتمام مخلوقند
خداست و سلسله بین او و عباد او است که خود او را
بان بخوانند و خود او را که عبادت خود شرایی بلند محیط بر
جزئیات و کلیات غیر همه اشیاء بلا شبهه است

ابدا

اعطاى محبتيه بايد شمرد ديده شد لى همه جهت خواهند

و هركه بعبادت بكند شيئا بان اسمه را موجد خواهد بود على هذا

ايه مطلبه كه هر فعلى و بعبادات بتمام عباد تكليف محض

خواهد است تغبلكه او سبحانه الخبير بان جعل در پلى و دانى عليم

بهم ناقص بالذات اول كلام لا اله الا الله الذى خالق

كل شى معدد موصوف و هو غير ناعتها

منزه عن جميعها لا يشبه شيئا ولا يشبهه شى درب محمد

وعلى و اهل الطيبين الطاهرين صلى الله عليهم اجمعين

رب العالمين وحده لا شريك له احد صمد لم يلد ولم يولد

ولم يكن له كفوا احد و باسما شد غير فنا بكل شى هو محيط

بنوم و الاشياء كلها عجزه كما قال صلى الله عليه في خطبته

لم مع كل شى لا بمقارنة و غير كل شى لا بمزايلة قول الائمة

ايمانا بالعلم الذى عند عند ائمة المعصومين صلى الله

عليهم و قبولنا منهم في كل شى من التوحيد الى التخليد

ذلك

ذلك و يقينا عند الله سخا الفنا سبحانه واضح است كه عالم

متغيرات است و متغير حادث است و حادث شده را احداث

كننده قديم واجب بالذات است و آنچه در تمام عوالم است

احتياج است در ذات و صفات و در علم و قدرت و سميع و

بصير و هم چنين ليس سبحانه غنى است بالذات علم و قدرت

و شنوا و بينا و حكمت و عزت خودش كه شبيه ندارد

و هم چنين هر چيز را كه نتوان ضد او و انبيا و رد داد

تمام آن خودش است بالذات بعد ضد بدون ند و

بعد تعليم و بدون آن معانى معقولات در بيان

خلق شناسائى خودش را خودش است سبحانه اول و

آخر خودش است بالذات و در صفات افعال بدون

مباشرت عملش موجد خالق جاعل همه خلق است

دانا بالذات خودش است كه تمام كمال و جمال است منزه

غيب الغيوب است آنچه خلق كرده است بالتمام فضل

وخاتمين

وهم خلق این وصف عاجز بودن در ذات و در صفات اند که فقر
و ضعف و احتیاج و عجز همگی در ترکیب و در حقیقت در عقد
وجود موصوف است بحسب ذات و در صفات الحی القادر که از الله
تا ذات خود شناختن نتوانند و عجزند بلا شبهه و لا وحده
شریک له خلق بدانند حیله نشود دو شناخته نکردند ابدا
که خلق خود شان را شناسند و عجز و فقر و احتیاج متحرک و ساکن
وضعف و عجز
ابتدا خلق را هم این وصف خلقت ایشان بر ذات خود
دلالت میکنند بر عجز خود که بالاستدلال مخلوق اند و مخلوق را
خالق البته واجب است و معرفت خلق بر خالق از همه تمام
باشد که غیر تمام ما سواه است که خلق خود شان را بعجز و فقر
وهم چنین بثبوت صفات شناختند و خالق را بعدم
و علم وهم چنین بنفی صفات نشناختند و محیط مفهوم شما
ما سواه هست و تمام ما سواه غیر او بند قدیم ازلی ابدی
علم قدرت شنوا و بینا و عین ذات او هست خود شناس

وهم خلق که بصفت هم جنس و نوع و تشخص و تشخص ظهور دو
شود که نبود گفته شناختن میان خود شان هم بیکر کرد داد
معنی احتیاج هست و او من غیر غنی بالذات است بلا شبیه
توحید او مختصر در قرآن و نزد محمد و علی و آل معصومین
هم معنی ایشان صلی الله علیهم و از برای هر بود الا اثبات
حاصل شود اشهد ان هذا لنا بولکم فیما مضی و جاریکم فیما
بقی نفره تمام ثبت با ثنای حاصل این تمام هست که خلق نکنند
هیچ چیزی شناسند چه نتواند بغیر دلیل آثار و روایات
بفهمند خدا و نه خالق هست که بحقیقت کنه خلق خود را
خود شناسند و خلق عاجز نعیم عجز حتی دیگر
ندادند و بجز و اینست و لم یجعل للخلق طریقا الی
معرفته الا بالعجز عن معرفته حضرت علی علیه السلام
بخداو عجز خود شناس عرض کرد تعلم ما فی نفسی ولا اعلم ما فی
نفسک پس دو جواب داد که حضرت رسول صلی الله علیه

رسیله است بقصد بعد و کفر ما بین ایشان صلی الله علیهم در آن
جنانسه نماست کر خوانده مبکر بعد ا بجز را کر خود شان صلی الله
علیهم بگفتن ان اذن داده اند بقصد مطلق قربت د مطلق ذکر
کرا دن از ایشان صلی الله علیهم در آن جناز رسیده هشدادن
ایشان صلی الله علیهم در خاطر خواهد بود در تمام آن ا
فرمایشات ایشان صلی الله علیهم [illegible] مومنین بالحج
هست در عمل خود را باید باد و مشغول حسب الامر
ایشان صلی الله علیهم سازد تو جبه مطلوب همین خواهد
بود و خداوند تو جبه داده در قرآن تعلیم فرموده معلوم است مستحب
حسب الامر قبل از نیت تکبیرة الاحرام نماز بخوانند انی
وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض حنیفا مسلما وما انا
من المشرکین ان صلاتی ونسکی ومحیای ومماتی لله رب
العالمین لا شریک له وبذلک امرت وانا من المسلمین بر تمام
دعیت [illegible] بجز اکر فرموده اند تفصیل بتفصیل احکام

دعابد

که تجاوز باجل حیای [illegible] ایشان اشتمند معصومین
صلی الله علیهم متعلمین ان خداوند خالق علیم بالذات تمام
علوم اولین و آخرین متعلم [illegible] علم و بنا [illegible] را
و ماد [illegible] مامومین و ایشان صلی الله علیهم مقتدا
منصب خدا [illegible] مقتدی [illegible] قول و فعل و عمل
و صورت [illegible] ایشان صلی الله علیهم
باد [illegible] بعضی [illegible] مستحکم
آن باطل [illegible] اصل طاعات و
عبادات است بیان حضرت رسول صلی الله علیه وآله صلوا
کما رایتمونی اصلی نماز [illegible] باید [illegible]
[illegible] معلوم است [illegible] صورت [illegible]
باید [illegible] طاهرین معصومین او صلی الله علیهم و
[illegible] اند [illegible] باطاعت [illegible] داد [illegible]
[illegible] خداوند سبحانه خطاب

بحر

بحضرت او صلی الله علیه و آله فرمود قل هو الله احد الله الصمد
بگو ای محمد صلی الله علیه و آله هو الله احد و حضرت
او صلی الله علیه و آله جمیع عمر خود در نماز میخواندند
قل هو الله احد بمحض امتثال و حکم او بهشت صلی الله
علیه و آله بر رعیت همانطور گفتن خودش صلی الله
علیه و آله که همگی رعیت در نماز بگویند چنانچه
میگویند قل هو الله حکم خدا بخواند نزد رعیت همان
طور او صلی الله علیه و آله باشد و مخاطب منظور شان
باعتراف در آن کذلک الله ربی کذلک الله ربی هر دفعه
ای چنانست خدا پروردگار من که مرا ابنوع مبارکش
توحید خودشرا خواسته است خدا پروردگار من
چنانست خدا پروردگار من که خداوند ابنوع
مبارکه و از برای توحید نازل فرموده است
که هر که با اعتقاد آنچه در آنست چیزی بخواند

بمحض آنکه بخواند و ایمان بآنچه در آنست داشته موحد
باشد بشرطها و شروطها از برای که توحید از برای احدی
از مکلفان بهیچوجه بهیچوقت حاصل نشود مگر
بموالات آل محمد صلی الله علیهم که خزانه علم و صندوق
تمام علم خلق شده خداوندند و معرفت مطمئنه بآنکه
خداوند واجب الوجود محیط متقوم بالذات دیده و شناخته
نشود به پیغمبر و خلفا از آل و عترت او صلی الله علیهم
تحقق کرده اسلام و ایمان و هم چنین آنچه را که خدا
از برای تمام بندگان در خیر خودش خواسته است
یعنی بندگان تکلیف موالات و متابعت ایشان صلی
الله علیهم است و ایمان بآنچه ایمان ایشانست نزد
خودشان و تبرا از تمام دشمنان ایشان که خداوند
سبحانه بود و هیچ چیز نبود و ابتدا خلق او سبحانه
اول و آخر و ظاهر و باطن چهارده نفر ایشان باشند.

ش ل ش
صلی الله علیهم و هم چنین محبت اهل سلام که حضرت موجود

صلی الله علیه و آله مبعوث و اشهد ان محمدا عبده و رسوله

اللهم صل علی محمد و آل محمد السلام علیک ایها النبی و

دیوهان را عظیم هست حکم خداوند محض خوانند و جای آورد(ن)

بقصد امتثال هست که فرموده الله تعالی ما با یسطور باید خوا(نند)

و جای آورده هست بخوانند و بجای با ... هست ...

را بر نهیت که نبوله را طاعت امر ایشان صلی الله علیهم

و ایس که ارکان توحید ند صلی الله علیهم و توحید سبب

ایشان صلی الله علیهم هست را اصل اصیل تمام دین و ایمان ما

بالتمام خود لای با ایشان صلی الله علیهم و تبرا از دشمنان ایشان

و باقی همه اعمال و افعال طاعات و عبادات فرع آن

خواصه بر یکدیگر جسم اعمال را افعال و اقوال و نیات

بعد از نبا شاهد و بنیه انذار برای آن و معنی تولا

دوستی ایشان صلی الله علیهم شوند و تسلیم محض

تمام اقرار اراده ایشان و رضا ایشان و خواستن ایشان

و امر ایشان است صلی الله علیهم با اخلاص شدن و معنی تبرا

از دشمنان ایشان را دشمن داشتن و بیزاری از ایشان

دشمنان ایشان

... در هر حجت بود نیست و ... جز در ایشان

و کمال رسیدن در هیچ در عجز از تصف ایشان صلی الله

علیهم تا بعهد دانستن اجمال ... سبحانه ...

تمام شناختن خواستن شده بخود شد و تمام ایمان بخود

... و عمل از برای خود شد بر شناختن ایشان صلی

الله علیهم و ایمان با ایشان صلی الله علیهم و قبول آن

صلی الله علیهم و متابعت ایشان صلی الله علیهم ...

است و اول و آخر آنرا تمام نموده هست و ختم مقتضی لا ...

از ابتدا آن ابدی فرموده هست که پای کار و ...

همراه ایشانند صلی الله علیهم تا همه بندگان ...

و آخرین ایشان صلی الله علیهم را بشناسند خاصه در ...

در این زمان حضرت حجت حاضر غایب منتظر بقیة الله دا
از ایشان صلی الله علیهم تا مردم از آنکه من مات ولم
یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة نشوند و از ایشان
صلی الله علیهم قبول کنند و بغیر ما ایشان ایشان صلی الله علیهم
علی غایب چنانچه فقره زیارت است من اراد الله بدء بکم و من
وحده قبل عنکم و من قصده توجه بکم و بکر خیره بکر همچو
نداند و اصفیای سالفه را کفایت در اینجا نشد همین نبی
کرده ایمان خود شان قبول داشته اند انچه را که در ایمان پیغمبر
ایشان بوده هست چون همه آنها ایمان همه بوده علاوه همه
پیغمبری امت خود شرح داده چنانچه در این امت ایمان ما
با ائمه ما صلی الله علیهم و بتمام آنچه را که ایمان ائمه ما
صلی الله علیهم هست ایمان داریم و در زیارت میخوانیم
انی مؤمن بکم و بما آمنتم به کافر بعدوکم و بما کفرتم به
و علاوه از جمله آنکه خبر داده شده ایم ایمان بتمام پیغمبران

و همچنین همه آنچه که خبر داده ائمه ما و منظوم ما که توحید
خداوند جل علا و منحصر مختص مخصوص فرد ایشان صلی الله
علیهم هست و لیکن بما بایست است که تمام عالم از فوق عرش تا تحت
الثری بطاعت و عبادت و علم و معرفت ایشان صلی الله
علیهم و اگر تمام ارواح در حبط جسم بیاید بالتمام از برای
ایشان صلی الله علیهم کشف باشد ببینید اصلا براو
و همه آن در آن دیده شوند و شاهد ما بخلقند و
همه خلق بالتمام مبنا بحجت ایشان و امر الله با ایشان صلی الله
علیهم و قبول تمام آنچه نزد ایشان تمیز و معرفت صلی الله
علیهم است و ولایت ایشان صلی الله علیهم و تبرا از دشمنان
ایشان موحد خواهند بود و لیکن که ایشان صلی الله
علیهم حبل متین و عروة الوثقی و صراط مستقیم و تجلی
سبحانه جل و علا از عوالم غیب و شهود از برای
نجات مردم و هدایت ایشان و حافظ اسرار خداوند و

در رجعت و در محشر پادشاه و خلفاء خداوند سبحانه‌اند از ایشان صلی الله
علیهم که دیده شود و هم سجده شوند راه سلامتی ابر رحمت
نمودند و در مهر اندراه زمین آگاهی دادند خود شان صلی
الله علیهم مانند و مثل چابان اند از برای جماعتهای
مردم شریک و مثل و شبیه در اصطفا هیچ چیز نداند از علم
حق ایشان صلی الله علیهم است فرمایش خداوند که فرموده
شده است اینکه فرموده ولایة علی حصنی و من دخل حصنی امن
من عذابی که از فرمایش حضرت رسول صلی الله علیه وآله
معرفت یا علی کسی خدا را نشناخت مگر من و تو و کسی مرا نشناخت
مگر خدا و تو و کسی تو را نشناخت مگر خدا و من و در این
اختصاص اند صدیقه طاهره و اولاد ائمه معصومین صلی الله
علیهم اجمعین چنانچه در زیارت است اتاکم الله ما لم یؤت
احدا من العالمین الی آخر هر که در معرفت ایشان صلی الله علیهم
افتاد در راه ایشان صلی الله علیهم راه رفت نجات یافت

کرد تا

کرد او صاحب از جمله مغلیها مولای ایشان صلی الله علیهم دوست ایشان
بودن و پیروی ایشان صلی الله علیهم نمودن و ایمان با آنچه
ایمان ایشان صلی الله علیهم داشتن و تبرا از همه دشمنان
ایشان کردن همه را واجب دانستن باشد و هر که از برای
ایشان صلی الله علیهم شریک گرفت مشرک شد و هلاک کرد
و هم چنین اگر کسی برای ایشان معرفت بکند خدا بودن اشیا مخلوق
و رسیدن مشرک است زیرا که خداوند خالق است خود شرع الجعفری
کنند اشیاء وحده لا شریک له است و مخلوقات و خاصیت ایشان
خالق قادر بالذات سبحانه و تعالی با آیت او جل و علا ببیننده
شاهد حق باشد که در قرآن است عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه احدا الا
من ارتضی من رسول و آن رسول در کلی و کل خاتم انبیا
و آل معصومین او صلی الله علیهم معلوم اند اول ائمه
دانستن موضوع شریعت اینکه معبود با استقلال تفکر
در حقیقت کفر است ظاهرا چرا که سجده جهت تذلل مخلوقات

چال

خیال کننده مثل خود مخلوق باشد که او سبحانه منزه از تمام کیفیا
و کیفیات و از تمام اشیا و صفات تمام ایشان در ما بین ا
همه معانی اسما و مفهومات و از الفاظ و موهومات
که با تمام مخلوقات او بند چون خلق باید طوری باشند که
خارج از دو حد حد ابطال و حد تشبیه لهذا اقرار بوجود الله
خالق نمودند که خود خلق خودش را بشناسد خارج از حد
ابطال است و اعتراف بانکه خلق خودشان را نشناسند
چه رسد بجا و ناز خودشان در معرفت منزهی که خود
خودش را بشناسد و شناسائی خودش خودش باشد
حد وحده بی علت لا شریک له که هیچ جز راهی معرفت به
اقدس او هیچ احد برا و نه بنا و اجزت الهی نباشد
خارج از حد تشبیه است و مخصوص است که او هست مخلوق
خودش را بشناسد بس انکار او همینست و همت خارج از حد
ابطال نمودند خلق او را که منزه است که نه بشناسند

باز

باز ایشان همینست و همت در شناختن خلق او را که هست بنفسه
شناخته نشود خارج از حد تشبیه و شهادت بندگان
در توحید اند و عجز از معرفت خارج اند و حد حد
ابطال و حد تشبیه تعلیم جانشین متابعت ائمه طاهرین
عروة الوثقی عترت پیغمبر خاتم النبیین صلی الله علیهم
اجمعین بگویند اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک
له کما شهد الله لنفسه و شهدت له ملائکته و اولوا
العلم من خلقه لا اله الا هو العزیز الحکیم و راسخون
در علم و اولوا العلم بتعلیم او سبحانه لا اله الا هو العزیز
در کلیه بر کل واضح است سید انبیا و رسل و خاتم
محمد او صیاء از آل و عترت او ائمه معصومین صلی
الله علیهم اند و ما خود ذکر ایشان صلی الله علیهم که ما
نسبت با بن عالم است در حقیقت که فرموده شد که انهم
صلی الله علیهم مع الله علی اهل الدنیا و الآخرة دلالة

در کلی

درمیان نیست و آنچه رسیده است از ایشان صلی الله علیهم
در نماز خواندن سورهٔ فاتحه مثل خواندن سورهٔ توحید
بقصد قرآن خواندن شرط صحت است که قبل از خواندن
در نماز ابتدا کردن بعوذ از شیطان مستحب است که گفته شود
اعوذ بالله من الشیطان الرجیم که فرموده خداست
در قرآن چنانچه هر که وقت قرآن بخواند همین را بگوید
و از هر صاحب صفتی بذات خود را پناه بکند که هر یکی
صفتی و ذات بتغییر و تغیّر واضح است و از مخلوقیت
در وسواس شیطان در جمیع حواس است و همچنین نماز را
ائمه مقتدایان معصومین ما ها صلی الله علیهم چنان
میخواندند و بجای میآوردند و ما ها در متابعت ما مؤمنین
عمل بمتابعت و اقتداء با ایشان صلی الله علیهم همان
خود ایشان صلی الله علیهم واضح کرده که میخواندند
میخوانیم تا بنا بهمت ایشان صلی الله علیهم معلوم شود.

واز

و از زمرهٔ ایشان صلی الله علیهم محسوب و محشور گردیم
اگر کسی عمل خود را منفعت و مشغول بقصد متابعت و
موالات ایشان صلی الله علیهم و تبرا از دشمنان ایشان
تا حواس خود را در عمل با این جمع ساز که و شکر گذاری بایشان
صلی الله علیهم بوجه مخصوص است بقصد امتثال و قبول
امر ایشان صلی الله علیهم را در عمل داشته باشد و بس
لا غیر که عبرات بالتمام باطل است و همچنین است تکلیف
تمام در عبادت تمام اذکار و اوراد عبادت و مناجات چنان است
دلیل و کفایت در عمل از وهٔ در اسلام بر اهل قبول اول
خطاب بقهر و ثبات ایمان تا کیف وجدتم قول لا اله الا
الله بیان کردن خص خواندن با اعتقاد بقبول امر ایشان
بطوری که نزد خود شان است صلی الله علیهم و ایمان و تصدیق
در حق امثال این است معلوم است که حضرت صاحب الامر
و الزمان موجود غایب منتظر حاضر صلی الله علیه و عجل الله

تمامیه

نمی‌بود شاهد احوال او اهل غیبت و بنده کان مولانیم

و تعبیر از هوای نفس است تا سفینه چنانچه بوده است

در غیبت صغرای حضرت صاحب صلی الله علیه و

علی آله فرجه اربعه نوابی خاص حضرت صلی الله

علیه بوده در زمان عثمان بن سعید علیه السلام وجه

در زمان محمد بن عثمان علیه السلام وجه در زمان

حسین بن روح علیه السلام وجه در زمان علی بن

محمد سمری علیه السلام مشهور است انکار از این بحث نکنند که

در نهای مخلصه موقعهای مدعی و لهیبه اهنا مثل این

زمان باعث کردید که حضرت صلی الله علیه و آله نسبت

راه القا و کشف ندوغ ابقا و مثل القا نمود دیگر

نایب خاص در میان مردم قرار ندهید وجود اکمل

مبارک او صلی الله علیه با التزام بقا عالم و نفع او

از برای خیر تمام اهل عالم و تایید باطنی در باطن

نایب

تا غیبت خود از او صلی الله علیه بقطع دعوی نوابی

نایب خاص تمام زمان غیبت کبرای خود صلی الله

علیه حکم فرمودند و تکلیف میان مردم را همچنان

در توقیع رفیع آخر که در آن ابطال نایب خاص نمود

و در آن ابطال حجه ظاهر گردید از مفسدین معلوم شدند

و باطلهای ایشان از مردم واضح شد تا اکتفا کردند

وجود لطف و غیبت مثابه ان شرح جمعی فرمودند

که معروف و مشهور است و علمای اعلام مثل شیخ

صدوق و شیخ مفید و شیخ مفید و علم الهدی و

شیخ طوسی و امثال ایشان نور الله مضاجعهم و

قدس الله سرهم طبقه بعد طبقه تا شنه کسی که

بلا فصل باستحکام تمام از علما و مقلدین و بعد کان

ذوی العصر و الاختیار از دو زمان صدور آن تا شیخ

بحکم محکم حتم در آن رفتند و بحمد الله تا حال ...

اهل

اهل حق جاری است همه نوع مردم را در تکلیف با غیر
در امتحان او است بعضی در غیبت و بعضی در توجیه دیدن
تاویل بعضی در تحصیل غیر ظاهر و لجهت که
تعبیر از این هر چه هر شخصی خیال کنم برسد احدی
ملک خود التحض است در خودش بکار خودش و
کسی دیگر هیچ چیز نیابد بر هر یک از افراد عباد جهت که
حضرت حجت چهاردهم معصومین پیشوایان ما همه
صلی الله علیهم اطوری بشناسد تا بداند او جهت
در خلق خدا تمام منصوب خداوند علی اعلا بر تر
ندارد و تمام مردم با وجود وسیله صلی الله علیه
و آله مستغنی اند از همه حیات مخلوق تا خودش صلی
الله علیه بان علامات فرموده شده مخصوص ظهور
نقل کرده اند در کتابها غیبا ظهور که نوشته اند که
نباید ظهور فرماید معتقده شریه خودش ظاهر سازد

فصل هشتم

در پاک کردن تمام روی زمین از شرک و کفر
شهر از نعمت وجود اصل است و از جمله اسرار طول غیبت
گویا همان باشد که گفتم چنانچه انتظار حضرت نوح علیه السلام
در آنقدر مدت آن موقت پیغمبری خودش از برای انفکاک
اصلاب قوم خودش از مؤمنین داشتند و فکر دیدند
دیگر قوم خودش را اصلاب خودشان چیزی ندارند
نجات عرض کرد ولا یلدوا الا فاجرا کفارا آنوقت با
ارشاد کشتی و حمل تابعین خودش و طوفان گرفت
تمام روی زمین را و پاک کرد روی زمین را از همه
کافرین که اصلاب تمام آنها از مؤمنین خالی گردید
موجه است و هم چنین گویا از جمله امتحان خلق است
تا خدا پرستی منحصر از برای طالبین در وجود آید
و مبادا که اوباش که خداوند است نگاه دارنده و
حفظ کننده او صلی الله علیه و دیگران خارج بشوند

بکفر خود شان در انکار که اخبار از حضرت رسول و ائمه اطهار
صلی الله علیهم در طول غیبت ایشان وارد شده بسیار است و سبب
معلوم نبودن وقت ظهور گویا از جمله فضل ثواب مومنان است
در انتظار بیان شده چرا که علم انتظار تا وقت ظهور است
و این عالم یکبار است و آن روی زمین بهشت و آسمان بهشت
است که زمین اصل بهشت چنان معلوم و آسمان فرع آن است
گویا هر چند که زمین باقی بهشت آسمان باقی بقاء زمین باقی است
و چنانچه جناب خدا صاحب خانه بر روی زمین مالک
زمین و آسمان است در پادشاهی خداوند سبحانه عز و جل
نصب خداوندی او را خلیفه لولاک لما خلقت الافلاک
آنچه خلق است تمام از برای ایشان صلی الله علیهم
در جمیع تفصیل حدیث کساء است و منافع خیر آنچه در
تمام عوالم هست بلا انفصال در منبع تمام مخلوق بلا
استثناء بذل و انفاق ایشان است صلی الله علیهم

لاهم

بر عهده نماید خدا که خالق و معطی و رب است سبحانه و تعالی
و مقصود امتحان شکر و ناشکر نعمتها است برای خود شان بر
بموجب آیه شریفه الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله
کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبلة مائة حبة و
الله یضاعف لمن یشاء در عوض از خداوند از برای ایشان
صلی الله علیهم بلکه لیلة المعرفه علی محمد المعرفه غیر متناهی
است بحکم عقل در کلیه اولیه با سلسله امام جامعیت مجلت
از برای ادای غرض در خلقت خلق و بقای همه بودن آن
غرض چنانچه بیانی از آنکه بید الله سبحانه سبحت الملائکه
حتی نهند آنچه که آنچه از فوق عرش تا تحت الثری در دنیا
و لحوق شده اینها ذکر و تسبیح و تهلیل و تقدیس
و علم و معرفت و طاعت و عبادت که کنند و جای آورده شود
و این فضل با ابتداء با ایشان صلی الله علیهم است
بموجب آیه شریفه الدال علی الخیر کفاعله و آیه شریفه

من نعماء

من جاء بالحسنة فله عشر امثالها فائده از برای کو نیلا و بقا
از زهاد وعده داده که وصل باشفاعت خداوند متصل از برای
ایشان صلی الله علیهم بفضیلت ایشان صلی الله علیهم است
بجهت خداوند خودش که معطی هستند الله به ایشان صلی الله علیهم
محال معرفت بخودش و خزائن خودش سبحانه قرار داد و تمام
معرفت بخودش سبحانه را که در ایشان صلی الله علیهم است
داد و خلق را از خودش عرض با محبت الذی عنا بعث ایشان صلی الله
علیهم امر فرمود که تمام خلق متصل با ایشان و بتولا بت
ایشان صلی الله علیهم بشوند بوجود و قول و عمل و فعل
چنانچه در زیارت جامعه است بموالاتکم علمنا الله معالم
دیننا واصلح ما کان فسد من دنیانا و بموالاتکم تمت
الکلمة وعظمت النعمة وائتلفت الفرقة وبموالاتکم تقبل
الطاعة المفترضة ولکم المودة الواجبة والدرجات الرفیعة
والمقام المحمود والمکان المعلوم عند الله عز وجل والجاه

العظیم والشأن الکبیر والشفاعة المقبولة ربنا آمنا بما
انزلت واتبعنا الرسول فاکتبنا مع الشاهدین و بتحقق
موالات ببرائت از دشمنان ایشان که ایشانند صلی الله
علیهم و بعد رحمت خداوند است ذکر ایشان در ذاکرین و رحمت
خداوند است اسماء ایشان در اسماء و رحمت خداوند است
اجساد ایشان در اجساد و رحمت خداوند است انفس
ایشان در نفوس و رحمت خداوند است آثار ایشان
در آثار و رحمت خداوند است قبور ایشان در قبور و هم
چنین فضل و کرم و جود و احسان و منتهای خداوند
و تمام انچه هست که کلی عوالم الله و مظهر سلطنت خداوند
در عالمین صلی الله علیهم وعلی من اتبعهم واخلص لهم
من الانبیاء والمرسلین والاوصیاء المرضیین والملائکة
اجمعین و تمام المؤمنین و رحمة الله و برکاته بر روی زمین
سموات و بسط ارضین و لوازم هر دو جهت لازم و ملزوم

علم و معرفت و طاعت و عبادت مفهوم و واضح است تا
جبت در تمام آن کرده و حکمت تمام آن معلوم باشند از باب
تصور عقول خلق در غیبت اختفاء علتها و حکمتها زیاده
در تمام آن بر همگی خلق در غیب چون کلی کو سفند هو بکیا
تام نمای معدل و مفهوم همیشه عالم را بر وجه نه بین الا ارواح
تا او علة العلل و حکمة الحکم و روح الارواح و ولایت
خداوند سبحانه با او باشد و بتوسط او انواع فیوضات
با اهل بشرهم مخفا فند در خلق منضبط کرده و بروز لوازم
حکمتها و خاصیتها و اثرها در تمام کلیات و در تمام
جزئیات بحسب کنایتی تمام خلق در غیب در هر آنی الی ما
شاء الله بواسطه وجود با برکة او باشد و آنچه علم و معرفت
خلق شده است بالتمام از برای اهل بیان او مستکمل او
در حقیقها البته بجز کاملیت انسان را و آن همه کمالات
حصر به و غیبات ند معلوم است آینده مطلب بسیار بزرگ

تمامت کمالی کاملی همچو صفت کرجه بفعل دو کمال باشد و حجت
و محب حامل جمیعی نه بین در عالم باشند و همه آن
او باشند و از او منفصل مثل جود لغتاب که بر اشیاء
بتابد و باطن بر تمام قلوب تمام اهل عالم تا بیدا کرده
و همچنین مغزان خود شرح طاعت و عبادت شما
که تمام عالم را طاعت و عبادت او همچو کرنند و عالم در
استقبال همچو خودش مستقیم باشند تا غایت کمال در نجات طاعت
و منتهی البته در جات هیچ جز او همیشه در عالم صاحب و عالم
و عامل باشد چنانچه او مردم قبول شود همیشه و فوق عمل
مردم مثل همچنین در نجات طاعت احاطه عمل او قبول باشد
و اکتفا کنند با ارواح عالم بعلم و معرفت و طاعت و عبادت
نفس و طعم او از برای قوام و بقای تمام اشیاء آن تمام
اهل عالم که هنوز تا بوجود نشد بر صنادیک او اسبابها
و کسی جز جمیعا بالاین عظمت و ستکبیر نگاه داشته شوند

و برهان آنکه فیض خداوند از مبادی در عبور و با تمام آنچه غیر ا
متصل از برای اعتقاد ایشان داده تصل الخد فیض از خداوند
مدد راسخ کند و اما ضرر از برای ادبی تمام خلق خدا رسد
نمایند که در اهل ایمان بطور آنچه ایشان را مرتبان هگاه
نمایند و در اهل کفر بطور آنچه ایشان را با ایمان نزدیک
کند رحمت فرماید چنانچه ابواب بهشت را عذر بر
ایشان بمقتضای تجلی این زمان هوش و حیات
دیگر ایشان از برای احد رحمت بر امکانی فتح ابواب
راه معرفت بسوی دین حق زیاد کرده تا هر یک که منتهی
تا آنچه اما ضرر با رشد هست شود بحث بر او تمام کرده
مقصر باشد تا مثل یکی لا صباح و چراغ کار چراغ برق
در عکس یکدیگر و هم چنین الی ما شاء الله همه از
ارشونامه دلالت قلبیت در اد هستی خود مکنونند
در وجود انسان چنانچه مکنون اند در خالق و بمقتضیه

قلب

قلب میشود از انسان در ایمان بلطائف الطاف الهیه و معرفت
در سبیل راه مکبر نشود و عمل ما بجهد سبیل هست از شارع
مقتضی در بساط ذات تعبدات تجلی تمام مستحبات قلبیه
و آنچه در بطن و ملکوت اولیاء حق دارند و مکرر تمام آن در عرفان
حضرت امیر المؤمنین صلی الله علیه است که فهم آنها مشکل بود
بالفعل بحسب ملک واضح و آشکار کرده و مبکر در هم
چنین قرآن کریم که دارای تمام رموز خشک هست سوره مبارکه
یس ذکر خدا الله کرده و تفسیر آن بطوری که ائمه ما صلی
الله علیهم و سلام هست عدیده شود تا کشف بسیاری از مطالب
محسوسه و قلبیه نمایان جمله آیه شریفه که خداوند میفرماید
و آیة لهم انا حملنا ذریتهم فی الفلک المشحون و خلقنا لهم
من مثله ما یرکبون و آیه شریفه انبقدر عطوف نیست حالا
او و ائمه اند خلفاء او و ایشان بعد از ایشان ائمه طاهرین
صلی الله علیهم کسی را نفع باشد که کشف او خداوند

بدعلم انما بطلبید تا هر چه خداوند سبحانه از برای او خواسته

کشف کرده اند همان طور در عالم واهل عالم وقلوب وابدان

ندیدند وشنیدند وازجمله وقایع ایشان ملتفت باش بطورها

بموجب فرمایش دیگر بسیار معلوم هست بندگان خاص خداوند

وجود خودشان بایمان در انجا بال محمد صلی الله علیهم بمحبت وولایة

چهارده نفر ایشان اشمه خدا صلی الله علیهم وتبرا از دشمنان

ایشان در عقل وعمل وصدق ووفا وعلم ومعرفت وطاعت

وعبادت وذکر وتسبیح وتهلیل وتقدیس ابدان وقلوب

خودشان را با اخلاص وخلاص وچاکری وجان نثاری بال

محمد اهل بیت رسول الله صلی الله علیهم چنان تصفیه داده

بدهند منتهی در کشف امکان از همکنان بتوان طلب

نایل شده باشند تا بجاهای برسند [illegible] که در عالم

عالم کرده [illegible] بینند [illegible] شنیدند از اشیاء

تغیرات در امکان دیدند وشنیدند ومی بینند ومی شنوند

در انجه

وآنچه خواسته اند بخواهند شد وشود مثل آنکه جهنم واهل

آن را بهشت واهل آن را در چند جا بوده [illegible] دیده وبه بینند ودیده اند

کشف را از برای ایشان کرده باشند چهارده نفر [illegible] ثبوت

[illegible] معلابت وامامت صلی الله علیهم [illegible]

خودشان هستند [illegible] خودشان بجا [illegible] خود مثل

خودشان [illegible] باختیار خودشان کرده [illegible]

سعی وکوشش [illegible] خداوند [illegible] خود طلب

[illegible] خود این [illegible] بوده این موضوع

[illegible] کرده [illegible] معلوم [illegible]

[illegible] باختیار عمل [illegible]

[illegible] خود [illegible]

بکار [illegible] ظاهر [illegible]

[illegible] معادن [illegible] جواهر [illegible] اکبر [illegible]

الی ما شاء الله [illegible] نشسته [illegible]

وبالا نشان عوالم است که نتیجه هست دفتر قابش وصلی حضرت امیر
مومنین علی صلی الله علیه در اوست اتزعم انك جرم صغیر
وفیك انطوی العالم الاکبر منکر انسان بهوش و عقل اگر بشود
نتیجه از متعلقات همه اینان معلوم شود تحقیق فلاسفه قدیم
عالم علیم بالذات لا اول له ولا آخر له ازلی ابدی عز شانه
اشیا محیط بود بتمام اشیا و تمام اشیا غیر او انسان را
دانا و کرده است سبحانه لا شبیه له موحد بدیع رفیع منزه واضح
عن جمیع [illegible] خالق تمام اشیا مجید محبت بخشنده
هوش و عقل و هم چنین انچه را اگر خواست معطی هست
و اصل عرض آخرت هست نگاه دارنده عالم معلق که
تمام جهان ان نمی هم لا شی محض است از برای آخرت
و وجود خلیفه او معلوم است چه معرفت واجب که اگر هوش
و عقل نبود ضبط و دیوانگی چه بوده و اگر خلیفه او با نظام
عالم در جای ایدین طاعت و عبادت و متعلقات هر چه

بطور صحیح و غیر بوده خالق عزیز خلقت خلق برده بقا
عالم [illegible] بر چنین [illegible] مصطفا [illegible]
فصل منصوب با دستگار [illegible] تا با [illegible] با عالم [illegible]
بالحق بجود ظاهر واضح بر یا هست و عالم خالق و خبیر از [illegible]
او هست نفس نفس [illegible] خداوند با رمنصل [illegible]
خلق نفس او منقش شوند در وز بر از برای ارزانی
میکنند و جبر با انه خلق [illegible] ختم کردند که
عالم [illegible] سرفرمان نعمت ارزش داده و صفات [illegible] تعالی
[illegible] خدا [illegible] مثل [illegible]
مثل چراغ که معلوم است چه چراغها از ان چراغ روشن
شود از ان چراغ کم و کسر نگردد و این [illegible] مثلی است [illegible]
[illegible] انکه بوصف [illegible] صلی الله علیه و عالم
تا [illegible] تمام اهل عالم در آن مستفیض و چیزی از ان کم و
کسر نگردد و عالم چنان که [illegible] است از برای [illegible]
موارد

مولود هست مثل کف دست و مثل نصف گردو و مغز
بادام و وجود نوری است در حضور او لذا می بینند نا ناسان
کسانی و بد و ظاهر و باطن اهل عالم را و ایشان بر بینند
وجودش در همه اجزاء عالم که از برای او کوچک است
چنانچه گفتیم خاصه و ناظر باشد که شاهد بر تمام کارهای
خلق است سهو و نسیان ندارد حفظاً لذا رد که مظهر تعال
خداوند و امر خداوند هست بین کاف و نون دارد
با تمام خلق در شیی هست مثبتی بصفت رحمانیت خدا
با تمام خلق در شیی بصفت رحیمیت خدا اضافه بر
رحمانیت است خاصه هست با مؤمنین و ثواب از
خداوند هست از برای تابع او و عقاب نیز خداوند را
از برای مخالف او و معرفت خاصه خداوند مخصوص
او هست و مردم مصدق او و تابع در ایمان با چه نزد
او هست از معرفت که شکر نعمت ایمان هست و ناشکری

کفر است

کفر است پس انیست هر که روزی تا کها نی من حیث
لا یحتسب گویند از مؤمنین نخواهد اینکه مخصوص
هست در اندازه باندازه محبت ذکر با آل محمد صلی الله علیهم
دارد خواهد بود خاصه با انها بلکه اصل اند و اول اند
در عقب همه یک … بعصمت چهارده معصوم صلی
الله علیهم که در خوف باز گشت خلق بسوی ایشان است
و حساب خلق بر ایشان است صلی الله علیهم و ایشانند
که اول ما خلق الله … در اول اند و علت ایجاد تمام خلق
و فعل کل آنچه وارد شد مشهود شد محمد خاتم النبیین
و المرسلین و اوصیا از آل و عترت او و معصومین خدا
توحید پروردگار عالمین صلی الله علیهم که بالفعل بوجود
محمد صلی الله علیه و وصی و لذا هم او مشتم هستم
مشروط به تبری از دشمنان ایشان حالکه بعضی هست
نرسید بان لعن دائم بر همه انها باشد و انها بلدان

انها

اما مشغول بعبد زبان بود بعد از خود را بصلوات و محمد
و آل محمد صلی الله علیه پاک نماید تفصیل [illegible]
و معادیکه ایشان مخصوص قلب عوالم امکان اند و بتوسط
ایشان از ازل اول عوالم وجود و تمام عوالم فیض بوده
هست و خواهد بود چنانچه اما ضمیر قلب
هر نفسی در نفس خودش باشند که حکم هر نفسی از انسان
و بزرگی عالم امکان که چنانچه هیچ نفسی بی قلب ممکن نشود
عالم امکان بی قلب ممکن نباشد که اصل قلب است و
باقی فروعات انست چنانچه معلوم است قطعه از بدن
که جدا شود چون قطع علاقه از قلب کند او را دیگر
احساسی نباشد و در آخرت که تمام قالب و بنائی بر گردد
باز با قلب شود چون سکنجبین مصطلح در ترکیب از سرکه
و انگبین است و تجربه هیچ اند هیچ چیز دخلی ندارند
تا باز ترکیب شوند و در اثر مدار این طعم واحد خاص

کردند

کردند پس انسان در ترکیب الروح و جسد [illegible] هست و تجربه هیچ
هیچ چیز دخلی باید ندارند تا باز ترکیب کردند و در اثر مدار
قلب شوند و در ثواب [illegible] مسئلت و در عقاب [illegible] از اهل نجات
مفهوم است چنانچه شاید شود مثل امراض و بنوبه با تمام ترکیب
اما عضو در عضو دیگر تألم و مرض کرباشند و شاید و
شاید اگر [illegible] در [illegible] سالهای عمر و بنای خود از
اول تا آخر در [illegible] خود را ببیند تا بالکلیه خالی
باید عاقل العالم و در عقوبت [illegible] از اهل هلاکند در اصل
انچه انکه از او بوده چه بصورت و چه در قلب در آن جهت
خودش با آن علاقه که بفعل خودش از برای خود شرع داشته
منقلب در فساد خود معلوم هست پس مدرک و ملک
قلب هست منبع و اشراق تا اصلاح در صلاح خودش
صلاح یابد
و فساد در فساد خودش فساد ببیند که از محسوسات [illegible] مغلوب

اعمال

اضطراری نیست کلفت ایقاع دعای آوردن اعمال باختیار در کتاب ۱۷
خویش است و خالق بخدا جل شانه زید الله مگر آنکه او سبحانه
رسانده است بعضی صفات ایمان تو بتوفیق مومن و بعضی صفات
کفران تخذلان بکافر که باز جمله مطالب این از غیر کرد کند
باشد زیرا آنکه او سبحانه هیچ منفعتی و خوف خواسته است از برای
مطیعین ثواب را و از برای عاصین عذاب را بلکه و عقاب
خواسته است بندگان باز نشاه برای ایجاد لا من شیء
هکی با بندگان و مباینه و خواسته است هکی در این
نشاه هم باختیار خود شان بر افعال خویشتن بعد از
تعلیل و تعالی محبت باشند تا اختیار حاصل کنند
که مبدا شده و مبنویه خواسته است حول و قوه را از
عاصین در وقت معصیت سلب کند تا مجبور بر ترک
نباشند و خواسته است بندگان را جا اوامر و نواهی مستطیع
تا معرض بر فعل نباشند و هم چنین الی ما شاء الله

کرداخ

کرد اضح هستند در مقام ما شاء الله کان و ما لم یشأ لم یکن و خدا
خداوند سبحانه خبر خواسته اینکه با تمام برسد و هم چنین
همه مشیات و ارادات و رضا و مطلوبات با دخل و علاقه مجموع
او است از قبیل توحید استعانت نعمت ها و اقرار قبح
در عالم آنچه منسوب با او هست مباد او و تعالی و عجز نعمت ها
همه منسوبات با او ایمان مومن است و بتحقیق تا آنکه
اثبات و ابطال آنست هیچ مقتضی واضح الی تسلیم آنچه هست
عجز هست انبیاء سید بان و از جمله موقوفات بعینها معتقد
کرده هست موثرا بر خلق بجزاء و حساب او در خلق و نابید
مومن با او بهشت و تعلیه کافر او جهنم و هم چنین الی
ما شاء الله در موقوفات و اضح هست للعقد کاین فصل
اصادر بکذشته
دهم شمه از فضیلت و معاد و هم چهارده تن معصومین
مجتوا بان ما ها صلی الله علیهم طینت واحده و بوده ا(ند)
تا ما ظلم عالم امکانند و هر یک از ایشان تمام ایشان ا(ست)

عوضا

و شنیدن غلبه علی در جهت تمام خود اش است و علت بعثت
در هر چیز هست که باب جهره هست را اصلا فراگر یا دو وجه جهت
یکی جزئی و دوم جهت ربوبیت است و وجه مخلوقیت
است و وجهت ربوبیت کار گاه خدائی خداوند تبارک
معلوم شد ارند و در وجهت مخلوقیت کار هائی بشر به ایشان
دلیل ها چنانچه بر وجهت آدمیت مرده و هر بند و کرد در تمام
عالم باشند و نشنیده اند الشان صلی الله علیهم مر بینند و
احیا کردن ایشان مرده و امثال او و شوهر کردن او بعد از زنده
شدن و حامله شدن شوهر ماندن و اولاد آوردن
امثال او بسیار است که گفته شد علی امیر المؤمنین صلی الله علیه
مظهر العجائب و مظهر الغرائب و در ولایت بسیار اشخاص
مخصوص مرتبت زندگانی بجائی رسیده اند باراده هر چیزی
خواسته شد در کوفه تشریف داشتند عبد الله شکایت
از معویه کرده که در شام با اهل خانه اش بواسطه تشیع

بخلوت طلبید از خود خانه عبد الله طلبید که هر چه در او [illegible]
نمی بینند پس بعد از شام بکوفه نقل شده که گستاخی کرد
او میفرمایند تعجب شده مگر آنکه خانه خود شان ایشان [illegible]
در شام بود به کوفه دیده شد و از مدینه دست بسیار [illegible]
طرف شام اشاره فرموده بسلسله معویه را در شام که در
وقتی لیکن آنکه در کوفه در خانه شخص سینه او را زده که [illegible]
بروی خود بر زمین چسبیده و فریاد مطلب داد و خود را میکرد
و خود میکوبیم شاید مقصود شان که خود ش لباس ابلیس کرده
و عمل با ابلیس بوده خود شرا میگفت که ابلیس که [illegible]
در عالم و از امثال او و عمل ایشان در ماندند در بعد از [illegible]
شده همراه او بوده خلاصه و از وجهت تا نبود [illegible]
صلی الله علیه از شهر به شهر تشریف میبرده و با شمشیر [illegible]
میفرموده و از این بعالم الی ما شاء الله که تمام عالم در تحت
حکم الشان صلی الله علیهم است چه کوچک باشد در حضور

ایشان صلی الله علیهم مثل کف دست هست باشد مثل صفحه کف دو دست باشد مثل
مقابله ایشان چه نزدیک و چه دور باشد و حکم ایشان صلی الله علیهم
خود حکم خدا و فعل جل شانه هست اگر بخواهند خواهش خدا
نا اگر خدا بخواهد خواهش ایشان صلی الله علیهم است
که خود ایشان صلی الله علیهم نخواهند مگر آنچه که خواست
خدا است سبحانه و تعالی حضرت سلیمان بن داود و عهد
حضرت عیسی بن مریم علیهم السلام که عجیب در هنا صادر
از ایشان صلی الله علیهم جلوه لله … لمنام بعضی جزا
که بالتمام از برای توحید خدا سبحانه و تعالی بوده در خود توحید خدا
که بالمعرفت و تنزیه ایشان هیچ عوالم ملکوت را باشد که هیچ ملکوت
و هم هیچ عوالم ملکی را باشد در ملک خود در حالت واضح است
اند بلکه شده هر چه از ایشان صلی الله علیهم اگر خبر و عید خواهد
اظهار داد ایشان صلی الله علیهم است تمام عوالم ملکوت
و حالات ایشان است اگر بخواهند بشود سکنها و ختمها

دیوار رها الماس و خاک اکسیر و سنگ زر تا اولیه هم هزار
از انبیاء نموده اند و مردم هم بچشم خود شان دیده اند و
اصل ثروت و مروت بیان کرده اند و اگر خبر حقیقت و توحید
اظهار جاده دادن و جانگرفتن و مسخ کردن و امراض را بر
طرف کردن و شفای نداه ها مرده زنده و شیر نقش پرده را
جان آورده در صحن طاغیان رها دادن و سنگ را
کریها اند و چه معجزها بعد از وفات اند بنا و روضات
مطهرات ایشان صلی الله علیهم بمقتضی ظاهر شده اند
و اگر خبر در توحید سیر کردن گرسنگان و تشنگان را
سیر آب نمودن است چه قدر هزار ها از خلق چه در شهر ها
و چه در صحراها که دست مبارک در هر چه بود دادند
دفعه شد و چه بن نور داده فوراً در حقیقت کرده اند
و میوه داده و در زیر انگشت مبارک آب روان شده
سیر شدند هزار ها از خلق سیر و سیراب گردیده دنیا

شده رختند چشمها سالها مانده واز آنشده الآن نیز باشد

واز برای خودشان صلی الله علیهم رسیده چنانچه از طعام عطا

آسمانی مکرر بمشاهده چشمهای مردم داکر خبر در توحید دهد

واشیا را بر اثر خود گذاشتن وگرسنه ماندنست تمام در هند

از ایشانست صلی الله علیهم واگر خبر در توحید اظهار دلالت

بشریه وکشتن مخالفین است آنچه قدرت خلق شده است

باتمام بشریت با ایشان هست واگر خبر در توحید اظهار

جیره دهم نشانی ماندن اشیا بر طبیعت طبعی خود اشیا

وتحمل ضعف وتشنگی وگرسنگی از برکشته غالب بمثل

همگی مردم بعد از شهید وجنبت در حملت گرفته

ابلیس امر به مامورین شیاطین بدر آمده وایشان صلی الله

علیهم را همراهی با خدم شده رحلت داده با ابلیس در جنب

افتان واز تمشد مردم در بودن ونبودن باران با تمام

خبیث انطبیا شهادت صبر ایشانست در محبت خدا اند

برای توحید خدا در تمام طبقات متناسله بعمیده مردم

حق را وخداوند ثبات قدم در راه خودش را که بمثل

کوههای خوش هست بنیاد ووستدار بکنام بنیان

مرصوص باشند که مخالفین حضرت جعفر طیار سلام الله

علیه را بعد از شهادت بر سر نیزها بلند کرده بوده اند

وبر حضرت رسالت صلی الله علیه وآله که از مدینه او را

در اغنا میدید تا گوا ذکر دید خود او دو بال از الطاف

الهیه آنحضرت در آورده از سر نیزها باسمان پرواز کرده

وآن همه جمعیت محبت خدا از شهید سلام الله علیهم

نگاه میکردند وشهید اول از نقلا وخودمان زاد بلند درجه

شهادت بعد از دو رکعت نماز نعمه نوشته بانی مقلوب

تا نشر بعضی باسمان داد زبر آن نوشته دیدن گشت عبد

تا صلح مقامی بالا از شهادت در ره خدا خدا نزد خدا

خواهد بود که دعاء اولیا خدا نزد خدا همیشه بوده و هست

كه هنوز آن انكر بوده چنانچه علامات محبت بحضرت امام حسين صلى
الله عليه محمد وبعد برادر واولاد اهل بيت بخوشند سنان صلى
عليهم در هر طرف از عالم بخوبيت بكو فتح اثر با فتح شر عبيد
كه آن در مسجدى او بود بادنشسته نقل اند خشند در آباد فروزى
كه روز عاشورا بفغان عزا مبايد واز سلخه او خون ميچكيد
او سر نيزه در محلى از فردين روز عاشورا آمده متحرك و متلاطم
مى شود واز براى او بنمودم گفت مثل آن سر نيزه در مسجد
ديكرى از روز بازار موجود هستكه خود شوهيده بوده چشم
در عالم بسيار هست چنانچه چند دراند زمان هر بو ترد اكرى
كشته اند در عالم ازان خون هيچ شد تا وقتيكه از غالب عالم
بنى اميه واتباع ايشان بعد از جهنم رفتند واز سنكهاى
سرخ در جاهاى دمن بالطبع اسما اهل بيت نبوت صلى الله
عليهم در او منطبع ديده شده استكه هر چه صفحه متعدده
شوعهاى در ايكه درجاى صفحه اول ديده شده

صفحه

بوده است چون آن نام هاى عيسى آن طبع هست و حتى
سال اهل سنكى بر تبيب الله محمد على فاطمه حسن حسين
در آن ملكه مشير السلطنه هند بير بول ذ باد ادر اكر نت
و مختصر آنست اينكه ما الكند صلى الله عليهم اغير اكه
نخواهند بخواهند مكر توحيد خلق حق با ايشانست
و حق از ايشانست و حق بسوى ايشانست كه ايشانند
صلى الله عليهم اهل حق و معدن حق و هم چنين كه
از خدا است فضل بر تمام عالم با شراق ايشان صلى الله
عليهم نه اكر فيه جاذبيت در اقتضاء مكتون در غير
آن بتغيير فضلها در حجاب مستور مكر مقتضى خود فضل
لا حول ولا قوة الا بالله حول وقوه در خلقت از خلق
خدا در تكوين خلقت هر يك از خلق كذارده شده
اند بقابليت قبول فضل از فيض اشراق ايشان صلى الله
عليهم بقدر اكبر تمام عوالم بلا استثناء تابان

بود

بشود هر یک از سه جور خلق در هر جهت باید آن مخلوق در آن
موجوده دفع موانع و تحصیل اسباب اگر خدا لی خواسته کرده کسب
هایدا در زمستان با این نبض بود دو باز از اقسام بسیار
دیگر کسی انار ادر هر چیز که باشد مقتضی به غیر مدد
با نعوذ بالله مقتضی بشر و اگذارد که خواند با اختیار خودش
عمل آورد و یا خودش را بفعل خودش معلوم سازد و حکم
همه با خداوند است سبحانه و تعالی انا لله و انا الیه راجعون
دوستان آل محمد صلی الله علیهم در بهشت با تمام و دشمنان
لعنهم الله
ایشان از اهل جهنم دائم موبد باشند فصل در هم اگر چه
در این رساله مطالب بکر و بسیار دارد ولی با لطف و ضمانه
هست اما مطلب را که من نوشتم خودم با الصبعه مکرر داور احوش
دادم تا اقرار و اعتراف و اذعان من هابنه در ان واضح شود
کرده باشد با اینکه احسان و لطف بی حد دارد خدا را گواه میگیرم
بر گفته از ادوی عقیده خودم که در معرفت عاجز و بی اندر وی

اجتهاد خودم دین و ایمان را واضح نمیکرده ام منحصر به این است
که من و اباء و اجداد من در ان بوده و ابدا الابدین بفضل
الهی و لطف و رحمت او یثبت الله الذین آمنوا بالقول
الثابت بیان نمیکردم هستیم تا این کتاب انشاء الله
بفهمند از برای من در روز حشر و حساب و ثواب ما شد
که خداوند جل شانه از برای عجز ما ها گذاشته و سلامتی
ما ها را در ان منحصر کرده است دین لا غیر ائمه بشنوا ما
مدار بما بان و چاپانان از برای ما ها خودش نصب
فرموده است و آنچه از معرفت را که خودش از برای خودش
خواسته و بحسب شایستگی ما ها قرار داده است حتی
توحید و ارکان توحید و کمال معرفت خودش اولوا
العلم مذاهب [illegible] علم با اعتقاد خودشان هادی اند
بسوی بهشت و فائده ندارد بر ما ها تصدیق و موالاة
نماید نیز ان در دشمنان اهل او واجب بوده است که در ان ادکار

[illegible]

وعبادات و طاعات حتم است و علما بجز از ائمه صلی الله علیهم
وسیله و با اذن از ایشان واده شده باشد مطلق ذکر و ثبوت
بهر حال نیست که از این قضیها هست دیده و آن وجه ایست
امتثال تعلیم و اقتدا و متابعت و موالات و تقلید و مصالح
و همه یکی هست تفویض و تسلیم نسبت با ایشان صلی الله علیهم
روا نیز و علم دادند و ایشان صلی الله علیهم را باختصاص حل
دانستن و انحصار رفیع و وضع لا ادری بحصر خوانده
نگفتن در این قضیها با اتباع موجب حیث بدن از معالی عشق
است که خداوند ایشان را صلی الله علیهم بحال معرفت وادرکا
توحید قرار داده و ما ها را دعوت بطرفای آنها معین و موالین
مخلصین با آنها برده هست تا در ایمان ما ها حاصل ابد
و دین و دنیا یکی بهتران از برای خدا باشد خدا این هست
کرد که بیران و عرفه دقیق عترت طیبه طاهره از ال
پیغمبر ما صلی الله علیهم داریم کو بنا و آخوز از برای هما

[illegible]

دیگر

و پیغمبر صلی الله علیهم خلق فرموده است علت غائیه عالم
مخلوقات شده بالتمام و ما الکمد در ولایت خود شان صلی
الله علیهم بر همه چیز بر واضح بر ما ها است خدا و رب ما
بقول و معنی ولایت ایشان صلی الله علیهم مفهوم از این
فقرات است قرآنست انما ولیکم الله و رسوله و المؤمنون
مؤمنون ائمه هستند صلی الله علیهم اند و اینه اطیعوا الله و
رسوله و اولوا الامر منکم اولوا الامر ائمه هدی صلی
الله علیهم اند و اینه النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم
و غدیر خم در نصب علی امیر المؤمنین را بخلافت بر
حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود الست اولی
بکم من انفسکم گفتند اللهم نعم ای چنانست آنگاه
بالخصوص فرمود من کنت مولاه فهذا علی مولاه
در همان ولایت حضرت رسول صلی الله علیه و آله که
ولایت خدای است و بر مردم و در مجالس عدیده مکرر

و مکرر

رمکرد الله بعد از خود شرح علی امیر المؤمنین و حسن و
حسین سید شباب اهل الجنة و نه فرزند هر یک بعد
از پدر خود بار حضرت امام حسین صلی الله علیهم اسم بودند
تا حضرت حجت و غیبت و طول کشیدن غیبت او را بتفصیل بیان نمودند
که هیچ هر یک از چه ولایت ایشان ولی بتصرف از خود شان بعد
در خود شان مظهر ولایت خداوند بود در تمام خلق ارواح
عالمین بفدای حضرت امام حسین صلی الله علیه و اله بیدر آ ائمه
معراج مؤمن هر شب زیارت کربلا است و خبرا از یاد نکردن
فیا بفدا امام حسین صلی الله علیه است امید دارد بفضل الهی
هستم کرم امو فق فرما بیا با جمیع اعمال بقصد مطلق قربت
در کربلا جای باود که تمام دین و مذهب ما هاشمک
ما هما ائمه ایشان صلی الله علیهم بعمر گشت و تبرا از
همه دشمنان همه ایشان در دنیا و آخرت امید هست چنانچه
خداوند در قرآن فرموده فمن یکفر بالطاغوت و یومن

بالله فقد استمسک بالعروة الوثقى لا انفصام لها والله سمیع
علیم و در صحبت حضرت رسول صلی الله علیه و اله وارد
شده است و از خداوند مسئلت میدارم مرا بجمیع طور و
بلطف عمیم خود خدمت ایشان مشرف کرداند و براین
تفصیل چیزی را که با عجز خودم از برای خود نقاعده
مسلما از دوا ضعاف و ازدید شدها و رتبات سلف و
خلف در نوما ایشان واضح بوده مفید هم ام همانست که نوشته ام
و خداوند را این گواه میگیرم و در روز ادا این عقیده و قصد
و فعل و عمل را مینمایم و مراد پناه خود را از تکبیرد و ثابت
و حفظ فرماید که چیزی از او هیچ نمیخواهم و در وقت حاجت
این گناه کار شاهد باشد و هو خیر الشاهدین که ایمان من
عقیده خاتم الانبیاء و سید رسل محمد بن عبد الله و بوصی و
خلیفه بلا فصل او حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب
که او و شیعیان مخصوص هست با بن الحنفیه حلال لا شریک له و
حرام هست غیر او و امیر المؤمنین گفتن و بال معصومین

هر یکی ایشان تا حضرت حجت موجود بر روی زمین صاحب
عصر زمان ما فداه فدتی عوالم امکان خلیفه خداوند سبحان
صلی الله علیهم است که همه ایشان منصوب بنصب و نص خود
خداوند زمان اند علی الخصوص وصایت بحضرت رسول صلی
الله علیه و آله بنصب و نص خود حضرت رسول صلی الله علیه و
آله که با شما همه را فرموده اند بنصب و نص هر یک خود شان
و یکی از خود شان که هر یک بعد بر خود تا دوازدهم ایشان
بقیة الله فی الارضین موجود غایب از انظار مردم هست
که در انتظار حکم خداوند است در ظهور خود عجل الله فرجه
و ایمان بتمام یکی همه ایشان صلی الله علیهم است با نظر وی
که نزد خود شان است اولو العلم راسخون در علم خود شان اند و
قرآن کریم چنانچه عقیده ما ها هست و دین و کافر و هر که دشمن
ایشان است بری و بیزارم از همه دشمنان ایشان و از آنانکه همه را
که خود شان کافر دانسته اند همه افعال و اعمال خود هم از طاعات

عبادات و جمیع ارکان دینی شیعیان اثنی عشری جاهای مباور ما محض
نص و عقیده بخاطر آن اولی چو مستند الی خود مرا شعور
بقصد موالات و رضا و متابعت چهارده نفر خود شان محمد و علی و ابنا
المعصومین صلی الله علیهم در قرآن ائمه ما ها میباشدم که چنانچه
گفتند صلی الله علیهم میگویم و خود هم همچنین فهم در جهان
بجای می آورد و بگذار بجای می آورم و آنچه را که خود هم ملحوظ هستم
گفتن آن از خود هم قصد بنا یم بآن چیزی که نزد ایشان
میگویم و خود هم خاصه و در نزد بآن توحید که خود شان
صلی الله علیهم دانسته اند و این گفته ما ها حسب عقیده ما ها موجود
است که در گفتن آن از ایشان بزبان ایشان صلی الله
علیهم بود الا و متابعت ایشان و قرآن صلی الله
علیهم قبول دارم میگویم تا خدا و پیغمبر متعال
همین طور ما ها با ایشان صلی الله علیهم برسانند
معامله را با ما ها در کوتاهی انطاعات و گناهان

ما ها بحبت ایشان صلی الله علیهم تعالی فرمایند و شفاعت
ایشان صلی الله علیهم با روزی ما ها کرداند فرمود بایست
بایشان
انبیاء الله صلی الله برسیم ربنا اکشف عنا العذاب
انا مؤمنون که معلوم این اشد است تمام عمر تمام دنیا
مانند شب و یکروز است که مدارش بر شبها و روزها است
دو گواهی شما است که تمام سال را بر دوازده برج است
مدارش در هر یک شب و روزی بر دوازده برج است
و انتقال کویا باشد از اول تا ظهور حضرت صاحب
عجل الله فرجه شب است و روز اول ظهور ظهور فجر
صبح صادق است تا روز اول بعثت روز اول روز است
کشیده بر شبها و روزها است تا روز تمامت همه آن
یکروز است روز معنوی که مدارش بر شبها و روزهای
راحت و نعمت بسط و عدل و خوشی و طاعت و عبادت
و علم و معرفت بر انسان و برادری در میان خلق

بالتمام از مشرق تا مغرب بریک دین و ایمان باشند السلام
علیکم یا اهل بیت النبوة و موضع الرسالة و مختلف
الملائکة و مهبط الوحی و معدن الرحمة و خزان
العلم و منتهی الحلم و اصول الکرم و قادة الامم
و اولیاء النعم جل مقامکم عن وصف الواصفین ص
نعت الناعتین اتاکم الله ما لم یؤت احدا من العالمین
طأطأ کل شریف لشرفکم و بخع کل متکبر لطاعتکم و
خضع کل جبار لفضلکم و ذل کل شیء لکم و اشرقت
الارض بنورکم و فاز الفائزون بولایتکم بکم یسلک
الی الرضوان و علی من جحد ولایتکم غضب الرحمن
و انا العبد المذنب الملتجی بکم و المنقطع الیکم فی دینی
و دنیای و آخرتی ابد الابدین و رحمة الله و برکاته
عدد ما احاط به علم الله سبحانه رب العالمین
پس بدانکه کلیه حکمت در واقع حقیقت مسلم است آنکه

ظلم السباد تسبیح بصیر در راه خدا السیا وحصن ثبر هر مظلومی
هر اندازه که مظلوم شود بهمان اندازه غالب است که باعتبار
اگر کسی بظلوم مغلوب بگوید این گفته هم ظلمی از گوینده با وجه
بوجه هر ظالمی هر اندازه مغلوب است باعتباری اگر کسی بظالم [illegible]
غالب بگوید بتعدی این گفته سیم شرکتی در ظلم با او خواهد
داشت وحسب انقضاء کمال لطف در هر وقت برسد خواست
خداوند در رفتنی برهان مظلومیت در سنان خود گر
غالب بر بیند نادم [illegible] البتاز اده شدت غضب
واگذارد که خدا نعوذ بالله بدلیل طالبیت مغلوب معلوم
سازد چنانچه فرموده وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب
ینقلبون داین حالی است مختصر از مفاهیم این اسم در
معرفت شاید بالتمام از مفهومات هر صفت باشد
انشاء الله بصیر را خداوند عطا فرماید بکرم جود
خاتمة اضافه توسل اسم مصنف اللهم یا وهب کل

شی

شی وهو الفقیه العالم بکل شی والتعفف بحق علی امیر المؤمنین والائمة
المعصومین یا راحم اسئلك بحق محمد وآله ان ترحمنا وتغفر لنا
وترحم وتتفضل علینا بعفو ذنبنا ما دام دنیا ونوفقنا الی ما تحب
ترضی فی الدنیا والآخرة بحق الائمة یا کریم صل علی محمد وآله
استجب یا رب العالمین ویا اکرم الاکرمین لا اله الا الله اشهد
[illegible] علی [illegible] مستودع [illegible] یلقنی [illegible] عند
سؤال منکر ونکیر فی القبر والمواقف [illegible] حالتی
[illegible] امنت بالله الواحد الاحد [illegible] لا شبیه [illegible] بالذات
القدیم الفرد الوتر الحی الازل الابد بالذات الموجود بالذات
الواجب القیوم البدیع لذاته الازل السرمد [illegible]
ولا ولد لم یکن له شریک فی الملک [illegible] علیم قدیر علی
حکیم سمیع بصیر احد صمد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد
هو الله سبحانه وتعالی فاطر السموات والارض [illegible] الغنی
بالذات [illegible] علم سمع بصر حکمة [illegible]

لاشیا

الاشباه سر جلت الذات بلا اول انتهى وبلا اخر ابتدى محيط بكمال
علمه بالكليات والجزئيات ليس موصوف بكمال محيط فهو
تمام الاشباه بصفاتها والاشيا بصفاتها كلها غيره لا يشبه
شيئا ولا يشبهه شي هو بعينه ذاته ومعرفته ذاته هو غير
محدود ومعلم الاشياء له ومعرفته تتوجه مخصص مخصص في القران
وعند النبي محمد والوصي علي والائمة المعصومين صلى الله عليهم
واهل بيتهم اجمعين من اتبعهم فقد اهتدى ومن تولاهم
وحده ومن اتخذ من خالقهم ولغى عنهم كفر وهلك
وهو سبحان الذي يعرف بالذات ويعرف تمام خلقه المعرفة
وهو البديع المنزه من تمام الاشباه وغيره من الحركة والسكون
وتمام الصفات لن يراه ولن يعرفه احد ابدا بالذات خلقني
محتاجا فقيرا ضعيفا فاجزا مركبا لا اعرف نفسي وكل شي على
تركيبه وحده وعدده وصفه وهو سبحانه يعرفني خلقني
من تراب ثم انا نطفة ثم علقة ثم مضغة ثم

ومثله

مثله المعرفة من فضل الكريم المنان ومعرفة الله لا تحصل كسب
ونحو ومعرفة حق النبي نبي الانبياء النبي محمد خاتم الانبيا
وسيد المرسلين والوصي علي امير المؤمنين والحسن والحسين
سيدي شباب اهل الجنة اجمعين والتسعة المعصومين من
ذرية الحسين والائمة المعصومين من ذرية الحسين
صلى الله عليهم افضل الصلوات اوقاتهم في الدنيا والاخرة
هم ائمة الاثني عشر هكذا المعرفة على التحقيق بالعصمة عليهم وبذلك
الحدوث ضرورة وجود الصانع القديم ومعرفته من الجميع
فالاعتبار بانه سبحانه بدليل ثبوت الشرايع والاخرة بهما
من القديم محمد وعلي والائمة المعصومين صلى الله عليهم وعلى
معرفته ودعاة خلقه اوليا النعم وقادة الامم في
تمام ما في الزيارة الجامعة وبين انه في الجنة امين امين
علي والزهرا وحسين وحسن كل من كان محبا لهم بلا
الجنة من غير حساب وفي انوارهم الساطعة منهم انوارهم
صلى الله عليهم والكاشفة على اهل السموات والارضين

لاختصاص واعطا التوحيد بالنبوة وانا منهم وقد لابرار نعمه
فخرهم فضلهم الحامدون من امة الله الى الله قولا وفعلا
القبول فهم والايمان بهم وبما عندهم صلى الله عليهم
والبراة من اعدائهم فانى تومن بهم وبما جا وابر وكافى
بعدهم بما كانوا فرون بر لا اله الا الله ومحمد وعلى و
الهما الطيبين الطاهرين صلى الله عليهم ورب العالمين
ربي اشهد انه لا اله الا الله وحده لا شريك له كما شهد الله لنفسه
الله لنفسه وشهدت له ملائكته واولو العلم
من خلقه لا اله الا هو العزيز الحكيم وحده واشهد ان
محمدا صلى الله عليه واله عبده المنتجب ورسوله الكريم تقى
ارسله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله ولو
كره المشركون وانه خاتم النبيين وسيد المرسلين
من بعده بلا فصل امام اهل السموات والارضين خليفة
الله وخليفة رسوله على امير المومنين وانه بروحه وحده
بلا شريك فى امامته على تمام المومنين وانه بروحه وحده

واشهد ان المعصوم

بلا شريك في امامته على تمام المومنين صلى الله عليه امامى
واشهد ان المعصوم نور الله سيدة اهل السموات والارضين
فاطمة الزهراء سيدة نساء اهل العالمين سيدتى
صلى الله عليها واليها واشهد ان المعصوم من بعد
ابيه خليفة الله وخليفة رسوله الحسن بن على صلى
الله عليهما امامى واشهد ان المعصوم من بعد اخيه
خليفة الله وخليفة رسوله مظهر تمام رحمة الله الكو
الحسين بن على صلى الله عليهما امامى واشهد بانه
هو واخيه سيدا شباب اهل الجنة واشهد ان المعصوم من
بعد ابيه خليفة الله وخليفة رسوله الله على بن الحسين
صلى الله عليهما امامى واشهد ان المعصوم من بعد ابيه
خليفة الله وخليفة رسوله محمد بن على صلى الله عليهما
امامى واشهد ان المعصوم من بعد ابيه خليفة الله و خليفة
رسوله جعفر بن محمد الصادق صلى الله عليهما امامى
واشهد ان المعصوم من بعد ابيه خليفة الله وخليفة

ومولاي موسى بن جعفر الكاظم صلى الله عليهما امامي واشهد
ان المعصوم من بعد ابيه خليفة الله وخليفة رسوله علي بن
موسى الرضا صلى الله عليهما امامي واشهد ان المعصوم
من بعد ابيه خليفة الله وخليفة رسوله محمد تقي الجواد بن
علي صلى الله عليهما امامي واشهد ان المعصوم من بعد
ابيه خليفة الله وخليفة رسوله علي نقي الهادي بن محمد
صلى الله عليهما امامي واشهد ان المعصوم من بعده
خليفة الله وخليفة رسوله الحسن العسكري بن علي صلى الله
عليهما امامي واشهد ان المعصوم من بعد ابيه خليفة الله
وخليفة رسوله حجة الله الموجود الغائب عن الابصار
المنتظر الحاضر في الامصار صاحب العصر والزمان الذي
اقام الله به السموات العلى وسطح الارضين ورزق ببر
المخلوقين سمي جده الرسول صلى الله عليه واله الحجة بن
الحسن العسكري صلى الله عليهما امامي عجل الله فرجه وسهل

مخرجه

مخرجه وجعلنا من خواص شيعته ومواليه وخدامه واعوانه
وانصاره والخادمين والذابين عنه ومن حملة لواء دولته
ومن الطالبين بثاره معه والمباشرين والمجاهدين والمستشهدين
بين يديه في سبيل الله عز وجل اللهم اني اشهدك يا الهي وسيدي و
ثاني بهم الي وشفعائي ابوابا نفتحوا بها لنيل رضائك و
تمام دينك ولهم الحجة على اهل الدنيا والاخرة ولا اولي
اعتقد بهم ويعادي اعداءهم وبهم تولينت في الدنيا والاخرة و
فيهم نقلت من التوحيد الى التحقيق وكلما عندهم ومن اعدائهم
تبرأت في الدنيا والاخرة وبهم ارجو من الله ان يدخلني الجنة بغير
حساب برحمتك وفضلك يا كريم يا منان ذلك مستودع ذلك عندك
ونشهد لنا على ذلك وانت خير مستودع يا خير الشاهدين
اللهم منك عفر ان ذنوبي بعدد ذنوب والمعاصي لا ادعي
حقوقي جميع اجزاء الجنة وملكا فيها من خاصة و
محصول نحن عند ربنا ونوقف عنده وعنا وصلوتنا

دعوم

بصومعه او با ... احقاد ... اثنا و حمد اثنا و ندی

حوضنا الی ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله اوض

امری الی الله ان الله بصیر بالعباد و انت بالله الکریم

الرؤف وحدک لا شریک لک رب العالمین یا رحیم یا عظیم

یا رحمن بفضلک یا منان سبحان الله والحمد لله ولا اله الا

الله والله اکبر ما ... تعظیم خود بلند ... تبت و مقام

پیغمبران و اوصیا از آل و عترت او صلی الله علیهم باد

اسماء ... و حمد ... از برای او و سایر اسما

از آنچه او در ... هدایت بودند پس ...

مختصر و نتیجه تحقیق معلوم ... عجز از معرفت ایشان است

کما ... مخلوق ... ثبت با ... و حد ... کل عجز

داشتن چه میتوان گفتن یا ... اینکه صانع غیر مصنوع است

غنی بالذات بخلاف ... عکس ... بالذات واضح است معرفت

باید ... وجوب ... بر او ... وجوب شناختن با

[illegible] شناختن

و شناختن بالذات ... و بجز ... انجا ... بود

چنانست ... کاند ... شناختن مردم او را بالذات

و شناختن مردم ... و ... بر او از جمیع ما سواه

... الله ... وجوب وجود او ... فضل ...

مردم ... عجز از شناختن شده و با هم ... نیند او ند

مؤمن باید مطمئن بوجود واجب بود ... عجز از معرفت

باری سبحانه ... بلکه ... خود ... تمام ... مثل

خود ... از برای ... اموات ... و ...

... الله ... بالذات ... ذات ...

محیط ... غیر از همه اشیا ... قبل از خلق ... فنا

و اشیا ... واحد بود و شناختن اشیاء

مؤمنا ... مؤمن ... الیقین ...

اعتقادش ... بخلاف همه اشیاء ... ثابت ... عجز

از معرفت باری سبحانه اینکه واضح است ... شناختن ...

[illegible]

مشهور است که شخص رسیدن بآن معرفت هر مومنی هست
حاصل از اعتقاد معرفت و ایمان هر کی هست بجا نام انبیا
و آل معصومین او با نچه معرفت و ایمان ایشان نزد
خودشان صلی الله علیهم است مختص و تبری از همه
دشمنان ایشان بدانند تمام هست که محمد و علی و ائمه صلی الله
علیهم همین چهارده نفرند و لهذا همین چهارده نفرند
اخر همین چهارده نفرند ظاهر همین چهارده نفرند
در باطن به خلقت و در ایمان و در جنت و در نعمت
و در حق و در اسلام و در قول و در صدق و در علت
و در علم و در معرفت و در عقل و در عمل و در عبادت
و در تقوی و در زهد و در شجاعت و در فضل و در
کرم و در محبت و در احسان و در حقوق و در وفا
و هم چنین در همه خیر مختص اینکه خداوند خالق
دانشی مجید و محبت [illegible] نگاه داریم بسیار رحمت

بجز

عزیز و محترم منسب و مخاطب است و محبت آنها که او و عرض
خداوند را از طاعت و عبادت و منصبی نیست که
حق خودش از خداوند علم و معرفت را از این بیست
که عالم نشود محبت کلی که به علت خاص تمام موجودات
که لا مبدا است عالم را قلب و باب همه فیوضات و صاحب
همراه از آن پیغمبر ما صلی الله علیه و آله که هر باب
از ایشان کامل است و نزد ایشان است فصل الخطاب
که باز گشت خلق بسوی ایشان و حساب خلق با ایشان
از جانب خداوند بنصب خداوند است چنانچه حق تعالی
که لا انه بالوجوه صاحب [illegible]
علیهم و السلام و آنها با همدیگر که [illegible] شهید
خوب بسیار است از خلیفه و پادشاه [illegible]
علیه السلام [illegible] و دوام
صورت از سجده کردن ملائکه غرض معلوم است باید

خداوند

خداوندانست بر بندگان دنیا و سلطانان و از اینکه خودش
سبحانه منزه اند من حیث هیچه عبود و شناخته باللذات
عنکر بعد بابی مخفیا محجوبا از حجابات و بسبب اوجل
جلاله همیشه بلا انفصل مظاهر باشند در سلطنت و
در بین تا خداوندگی خودش ظاهر گردد و پادشاهی
خودش واضح باشد محمد و علی و الائمة المعصومین
صلی الله علیهم را انوار خلق فرمود از برای خودش
در علم آن پادشاهی چه در ملکوت و چه در ملک
مثلا و آخرت ایشان صلی الله علیهم اسما و مظاهر
افعال و صفات افعال خودش و هم ایشان صراط نبوی
خودش و تمام خیر من جمیع العالمین باشند و خلق را
از برای ایشان خلق فرمودنا متابعت ایشان صلی الله
علیهم نمایند و بموالات ایشان حرکت و سکون
کنند و منفعت ولایت ایشان صلی الله علیهم

بشود و در نصحت تمام این مطالب نمیبند بهبه خودشید
که هر که اطاعت کند ایشان صلی الله علیهم را بهشت برد
و هر که مخالفت کند ایشان را جهنم برود و حضرت آدم
علیه السلام را حامل انوار ایشان صلی الله علیهم خلق و نور
فرمود و پادشاه انجاب خودش و نیابت ایشان
صلی الله علیهم با ایشان صلی الله علیهم در صلب
تمام عالم بوده و همچنان انبیا و رسل و اوصیا
بعد او را چنان قرار داده بوده است حضرت امیر المؤمنین
علی صلی الله علیه با انبیا در سرا و ظاهرا با خود ایشان
صلی الله علیهم پیر عالم چه در بودن ایشان صلی الله
علیهم در اصلاب و ارحام و چه قبل از آدم علیه
السلام مثل آن بطریقیکه خودش سبحانه آنرا اصید اند
با انبیا ایشان صلی الله علیهم عالم را ایجاد نمود از بعد
ستایش به شد حضرت جبرئیل علیه السلام و آن

شناسانند در بندگی امیر المومنین علی صلی الله علیه و آله
معلوم است بالفضل همه شیعیان خود الشان و ابنعا[illegible]
خود الشان بنصب خدا در ملکوت و جهان الشان و
از جانب خود الشان بنصب خدا در ملک کرنا بالفعل عالم
موجود اند پس صاحب زمان محمد بن الحسن العسکری بنص الله
از الشان صلی الله علیهم موجود در زمان مردم عالم
از معرفت انتظار مردم طاعت و عبادت و علم و معرفت
ادراست ارواح عالم اگر نه تمام عالم تمام زنده و داشت
کرامت صلی الله علیه صاحب عصر و زمان خلیفه و
پادشاه منصوب خداوند اولو الامر در میان خلق و عالم
خلق است بعد همه مکلفات فقد انزد خداوند فکر شود تا
[illegible] صاحب عصر [illegible] فکر [illegible] شود از عظمت
ذاتی [illegible] پادشاه و جهان [illegible] کرده
[illegible] عقل از [illegible] چیزی [illegible] بیند آنکه
بها

دلیل [illegible] موجودی [illegible] آنچه [illegible] لا اکه
و خبر [illegible] همه خلق کرده خداوند انبیا
[illegible] پادشاه است و بعد وجود صاحب [illegible] عالم
خلق [illegible] است و [illegible] بکم [illegible] الشان [illegible] علی
الارض [illegible] بکم [illegible] الغیب امام [illegible]
[illegible] که طاعت و عبادت و علم و معرفت او صلی الله علیه
ارواح تمام عالم است [illegible]
[illegible] او [illegible]
[illegible] او [illegible]
[illegible] باشد [illegible]
امامان او صلی الله علیه [illegible]
و شفاعت او صلی الله علیه [illegible]
معرفت انتظار مردم [illegible] ان شاء الله [illegible] است
ظاهر شود و خلافت پادشاهی [illegible]

[illegible] موجود

الشان
بوجود اقدس مقدس او با طاعت اهل عالم شود تا رحمت
ایشان
صلی الله علیهم خلافت خدا تعالی بکند پادشاهی خدائی از برای
مستقر
باز تمام خوب خدا تعالی یعنی مخالفین در ظاهر و باطن
کرده که تفصیل آن در این رساله بیان شده است تا اهل عالم
را
انکه شنوا بنده بالتمام بچشم بر بینند و بدانند غرض خداوند
در خلقت خلق موافق آنچه ذکر کرده کتب سماوی بر مردم خبر
به
داده در هر را هنما بنده بود بچشم آشکارا واضح هر مردم
الغیظ
باشند که ایشان صلی الله علیهم بوده هستند کاظمین
غیظ
والعافین عن الناس والمحسنین علی الخلق که فرو نشانند
ان
معفو کنند کناه را خر تا انکه ظاهران مومنین دوست دارند
و عیال لین پناه بندکان بخود شان در هوا در انقضا الباقی
صلی الله علیهم بر غالب مردم دنیا بوده و در آخرت احسان
و شفاعت ایشان مخصوص مومنین در مقامات اعمال
و عطا بمعجز محبت خداوند بجا بجا نجده با فی صفات اعمال

خدا و صفت پادشاهی خداوند است که فرمایش شده فرموده است تا بلکه
علیهم
خلقت الخلق لکی اعرف ... فهم و ذکر از جانب او بنده صلی الله
الله بهر جهت غیبت طول بکشد ما اما بر حسب ایمانی که در این حتم
داریم ظهور و از نزدیک می بینیم و دیگر ان معدود السلام و مفهوم
این است انتهی ... از نیکویی با مشتمل بر و سجره
بالفعل ... خبیثه و طیبه ... که بشود پیوسته یکی پشت
باطن تمام جهان ... عجیب ... و جنبش ...
است
و جزی و فدای ... لهو و لعب بکند ... دم ... تا
منتقل از ... شده باشد با ... غضب ... لعین
لعین یزید ... پسر معاویه ... امثال ... او علیهم
بلان
... اهل تمام شر ... کفته شوند ...
دشمن یزید پسر معاویه و امثال و اتباع او باشد او هم ...
است
... دشمن خدا و نه پناه ... از ...
لشت
... خلق ... ذکر ...

وبالمعنی تمام جماعت یعنی همه جهت ... خوشنود از مردم اکول

وما بودی ... جواهر و عطریات ... دباست

مطلوب همه مطیع شده باشد بانطباع ... بر

ابن علی ابن ابیطالب امیرالمؤمنین ... و فقد

... اصحاب ... علیهم الصلوة

والسلام ... تمام ... بعد از آنکه اهل ایمان ... شدند

... باشند ... نکنند و لعنت بر یزید پسر معویه

و امثال و اتباع او ... شکر ... خدا

... برادران ... صلوة بر حضرت امام حسین ...

... اولاد ... اهلبیت و اصحاب او خوشنود

مشغول سازند و ... اقبال ... باشند

دشمن یزید بن معویه و دشمن امثال و اتباع او باشند

... صلی الله علی الرسول و آله ... خاص ...

تمت بالخیر والسعادة فی شهر شوال المکرم

۱۳۲۲

خاتمه مصنف گوید ... صاحب ... خود

... اکر علما خاصه ... باینکه ...

میکوید بعد از ... رسول صلعم مردم ... شدند

... است ... خود ...

... شریعت ما قبل کرده ... مردم تابع ...

... پیغمبر ... ما قبل خود ...

ابابکر از ... مردم تابع او شدند ...

... ابابکر ... کفتند ... کردند

چون عثمان ... گفت ... بالمنصوص

... است ... مردم ... تابع علی امیرالمؤمنین

... خلفا است ... ما قبل ... کنند ... مردم

شرایع انبیا ... ترک کردند و تابع شریعت خاتم انبیا

شدند ... بعد ... خلافت ... کردند ...

کر شدند ... ما قبل ... کردند و بعد از آنکه ...

کر قبول

بقول این امور که عند معلوم است حال این نص وصیت که کرد آن علی آیه
للمؤمنین است با آنچه بر این قول و بثبوت که او بعد از عام است
و لعال حضرت رسالت پناه را وجا بکر دیده بی ای که علی … خود
شده است حق هدا اسند اند ضبط نکند بعیاد اقوال ناقل اولی
جای به بار و بعد از خود در اولاد خودش قرار داد چنانچه
وصیت حضرت رسول کرد صلعم علم و خاصه است ائمه دوازده نص
اولاد معتبر خودش فرمود از این است که علما خاصه میگویند تا انبیا
خاتم انبیا و خاتم خلفا شد این شرایع انبیا سلف و در انبیا
خلفا عمل در امور بکار نبا بدیکر هر بار که بر آنهای خلفا
تبدیل مانده است مثل آنها که بر شرایع سلف انداخته اند
و حروف قبله دیگر در میان … طریقه مذکوره میگویند …
کرده حق فاطمه صلعم طرفین که هر که او را اذیت کرده کافر است
و در اذیت بیش خصوص باغ فدک او را تکذیب نمودند
دیگر بر او … دعوت او را قبول نکردند و بر قرینه که آزادم

اگر

اگر نبوده است چرا کفری که در اذیت کردن و غضب او را اشتهی هستند
و بعض بخوبی او وعده رضای او حرف او را قبول نکردند با اینکه نور
طرفین صدیقه است و قول او و قول حضرت رسول است بالاتر از بیت
و کفر و شرکت الحاد و بعد از تکذیب و جمیع ای … و کر…
چه میشود در غصب مانده فدک نه چرا امت از خداوند برگردند
در غصب صدیقه بر غاصبین و باشد تا هر … از عامه
بر روی نمیبستند و حاشا نتوانستند و حرف دیگر میگویند آنزمان
هر عام بوده اند از بسکه مردم مخالفت با خواندن نبوت
کردند و حاشا دم شد حضرت سید شهدا امام حسین که عرض
شما را خودش را در سفر کربلا کذبیا مفرمودند عیال و اطفال
با خودش برونند هر که عرض که دیا فرمایش شما عیال را برد
چرا شاره مکنید … فرمودند … لله که با … شما حضرت
مسلم عرض شده اینجا مانعی نداشت که اگر تنها عیال
و اطفال را بر کرداند خودش برگردند بلکه باو جز مخالفین

اگر بخواهد

اگر نمیخواست او بکردند تا نفی صحیح اعمالند نیست مگر آنکه حکمی را که

منظور خودش داشت که بعد معلوم کردید که چه اندازه خلل

بجا آنها بر تمام مردم با اینکه چند خلیفه هم بر مردم بوده اند خلیفه

از برای حضرت رسول صلعم اختیار کردند و بعد با جمعیت زیاد

اختیار خودشان انتخاب شد سبطین سیدا شباب اهل الجنة را من اصحاب کشتا

بعد از حضرت رسول الله امام حسین بن علی و امام حسین را شهید

کردند با دین عیال و اطفال از شیر خواره الی جوانان بر بلا باشد نعوذ

حاشا کنند با این موصوف باز حاشا که خودشان نمیخواستند

باشند دیدند نمیشود و آن این شد که باطل این ها ضد زیاد

آشکار کردید بعد زیاد شدند و دیگر اینکه میگوئید مجتهد

خودشان اگر سهو بکنند خطا کرده اند و عی اجتهاد دین بود بوده اند

داکر از طرف شما ها از روی اجتهاد مجتهدان است کسی از بزرگان

شما اینکه میگوئید لازم نیست و حضرت [illegible] میگوئید جمل

در طرف خودشان که جدید بود منظور کرد با این قسم

مذهب شما ها با اختیار شما ها است نه با اختیار خدا و رسول

و هر چه خودشان میخواستند میکنید و میگوئید تا ان شاء الله برای

خودشان برسید بعد از حرف دیگر طایفه میزنند طعن بر شما ها است

اگر اجتهاد در فروعات میزان عمل شما ها مثل اینکه هر چه اصول خود

جاری کردید باشد چرا با اختیار خودشان قطع کردید و میزان خود

با اختیار خودشان از برای چهار نفر حصر کردید دین و مذهبی

که از خدا و رسول نرسید و با اختیار مردم باشد آن دین و مذهب

ابلیس است زیرا از خدا و رسول که نکند معلوم و واضح است

اینکه از ابلیس خواهد بود که ما بین شما بر بزرگیت و بعد از

خدا بر شما ها یکی غصب باغ فدک دیگر شهادت حضرت سید الشهدا

شهید امام حسین سید شباب اهل الجنة که اگر بکوید بلا

نمیبردند چه قسم مردم بود که از برای هدایت او دلخواه شدند

نکرده این حرف را هم همیشه میبود ترغیب کردند حق را

چنان واضح و آشکار کردند که جهال بفهمند و بیشتر شود دیگر

نلد هم که بشنو و طالب حق باشد تمام هست زیاده انچه از خبر ایشان
دیگر دفعه انکه بعد [illegible] مکتوب سوزانید و نیز باطل کردن قران
و مثل ان بسیار هست آن تعدد [illegible] ای انسه حجت طالب حق بس هست
خواهد اما که قران کتاب خدا و سید شباب اهل الجنة بود [illegible] اسم خدا
دیگر چون خواهید وارد [illegible] در اینکه تمام عالم مشتمل بر
و خبیث که دیده چنانچه مثل [illegible] صحیحا بود شجره در قران نه
و باتفاق تمام عالم در طیب محمد و علی و ائمة الطیبین الطاهرین
صلی الله علیهم اجمعین [illegible] و حکمت و عقل [illegible]
زهد و عبادت و علم و [illegible] بر سد [illegible] تمام آن در [illegible]
بخلاف [illegible] امامت و رسالت و [illegible]
[illegible] مثل گذشته از حکم منان [illegible] شجره الحکمة [illegible] بطیبین
طاهرین [illegible] محمد و علی و
ائمة اهل بیت نبوت و عصمت و رسالت و خلافت و ولایت [illegible]
اوضح [illegible] که اختیار و عقل [illegible] عالم ملکوت [illegible]

علاوه بر این [illegible]
از [illegible]
علی الارتفاع [illegible]
قران [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] قرار دادند و
[illegible]
نفس اماره [illegible]
[illegible] نفس
اماره [illegible]
الطیبین [illegible]
[illegible]
شهر شوال
۱۳۲۲



